

درس ۱

«إِنَّ قَلَمَ الْعَالِمِ وَ لِسَانَهُ هُمَا أَفْضَلُ الْجَنُودِ الَّذِينَ يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُدَافِعُوا عَنْ ثِقَافَةِ بِلَادِهِمْ بِأَحْسَنِ طَرِيقٍ!»: خارج ۱۴۰۰

- ۱) قلم و زبان عالم سربازانی اند که قادرند از فرهنگ سرزمین خودشان به زیباترین طریق دفاع نمایند!
- ۲) قلم عالم و زبان او همان سربازان برترند که می توانند به نیکوترین راه از فرهنگ کشورشان دفاع نمایند!
- ۳) قلم عالم و زبان او بهترین سربازانی هستند که می توانند از فرهنگ کشور خود به بهترین روش دفاع کنند!
- ۴) قلم و زبان دانشمند همان سربازانی هستند که می توانند به روش نیکو از فرهنگ سرزمینهای خویش دفاع کنند!

«مَنْ أَفْضَلُ الطَّرِيقِ لِكِتْشَافِ كَذِبِ الْأَشْخَاصِ هُوَ مَقَايِصَةُ مَا يَقُولُونَهُ بِمَا يَفْعَلُونَهُ!»: زبان ۱۴۰۰

- ۱) آنکه بهترین راه را برای پیدا کردن اشخاص دروغگو دارد همان است که گفته آنها را با عملشان مقایسه کند!
- ۲) از بهترین راه ها برای کشف دروغ افراد همان مقایسه چیزی است که می گویند با چیزی که بدان عمل می کنند!
- ۳) کسی که بهترین راهها را برای کشف دروغ افراد دارد، آنچه را آنها می گویند با آنچه به آن عمل می کنند مقایسه می کند!
- ۴) بهترین راه برای یافتن دروغگویی اشخاص عبارتست از مقایسه سخنی که می گویند با چیزی که بدان عمل می کنند!

«لَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ يَتَجَسَّسُونَ حَتَّى يَكْشِفُوا أَسْرَارَ النَّاسِ لِفُضْحِهِمْ ، وَ هَذَا مِنْ أَقْبَحِ الصِّفَاتِ لِلْإِنْسَانِ!»: زبان ۱۴۰۰

- ۱) هرگز از کسانی مباش که جستجو می کنند تا اسرار مردم برای رسوائی شان فاش شود، و این از بدترین صفتها برای انسان است!
- ۲) از جمله کسانی مباش که تجسس می کنند تا اینکه اسرار مردم برای رسوائی شان کشف شود، و این عمل از زشت ترین صفات انسان است!
- ۳) از کسانی مباش که برای کشف کردن اسرار مردم بخاطر رسوا شدنشان تجسس می کنند، و این از قبیح ترین صفتها نزد انسان است!
- ۴) هرگز از جمله کسانی مباش که تجسس می کنند تا اسرار مردم را برای رسوا کردنشان کشف کنند، و این عمل از ناپسندترین صفات برای انسان است!

«إِنَّ الضُّوءَ مِنْ أَهَمِّ الْعَوَامِلِ الَّتِي تُؤَثِّرُ فِي حَيَاةِ الْكَائِنَاتِ الَّتِي تَعِيشُ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطَاتِ!»: خارج ۱۴۰۰

- ۱) نور از عوامل مهمی است که تأثیرش در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوسها بسر می برند حتمی است!
- ۲) قطعاً نور از مهمترین عواملی است که در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوسها زندگی می کنند اثر می گذارد!
- ۳) نور از مهمترین عواملی است که تأثیر آن در موجوداتی که در اعماق اقیانوسها بسر می برند قطعی است!
- ۴) قطعاً نور از عوامل مهمی است که در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوسها زندگی می کنند تأثیر دارد!

www.my-dars.ir

﴿... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا، هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾: خارج انسانی ۱۴۰۰

- ۱) کسی که ما را از مرقد خود بیرون آورده، همان است که خدا وعده آن را داده بود، و مرسلین راستگو هستند!
- ۲) کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت، او همان است که رحمن به ما وعده داده بود، و پیامبران راستگو هستند!
- ۳) چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت. این همان است که خداوند رحمن وعده داده و رسولان راست گفته اند!
- ۴) آنکه ما را از قبرهایمان بیرون آورده و این همان چیزی است که خداوند وعده داده است و پیامبران مرسل راست گفته اند!

«هو أستاذُ عالمٍ في هذه اللّغة فجادله بالتي هي أحسن لأنه أعلمُ من في هذه البلاد!» خارج انسانی ۱۴۰۰

- (۱) او استاد دانشمندی در این زبان است، پس با او با آنچه نکوتر است بحث کن زیرا او داناترین کسانی است که در این کشور هستند!
- (۲) او استادی دانشمند در این زبان است، لذا به نیکوترین شیوه با او بحث کن زیرا او داناتر از کسانی است که در این کشور هستند!
- (۳) او استادی فاضل در این زبان است. پس بحث با او باید به نیکوترین چیز باشد چه او داناترین کسانی است که در این کشور می باشند!
- (۴) او استاد فاضلی است، در این زبان، لذا باید با او به روشی نیکو بحث علمی کنی چه او داناتر از آنهایی است که در این کشور می باشند!

«هو أقربُ شخصٍ لي و إن كان بعيداً مني مسافات!» خارج ۹۹

- (۱) او شخص نزدیکی به من است هر چند که مسافتهایی از من دور شده است!
- (۲) او اگر چه مسافتها از من دور شده است ولی شخص نزدیکتر به من اوست!
- (۳) نزدیکترین فرد به من کسی است که از من مسافتهایی دور شده باشد!
- (۴) او نزدیکترین فرد به من است اگرچه از من مسافتها دور باشد!

«قررتُ مع أختي الصّغرى أن نذهب غداً رأس الساعة التاسعة والنّصف إلى المتحف لمشاهدة الآثار التاريخية!» زبان ۹۹

- (۱) با خواهر کوچکم قرار گذاشتیم فردا سر ساعت نه و نیم برای بازدید از آثار باستانی به موزه برویم!
- (۲) من با خواهر کوچکترم قرار گذاشتم: سر ساعت نه و نیم فردا به دیدار آثار باستانی موزهها برویم!
- (۳) من و خواهرم صغری قرار گذاشتیم رأس ساعت نه و نیم فردا به مشاهده آثار تاریخی موزهها برویم!
- (۴) با خواهر کوچکترم قرار گذاشتم که فردا رأس ساعت نه و نیم برای مشاهده آثار تاریخی به موزه برویم!

«استشرِ الآخرين فيما لا تعلم و إن كانوا أصغر منك، فإنّ الاستشارة لا تُمیز بين الصّغير و بین الكبير!» اختصاصی ۹۹

- (۱) درباره آنچه نمی دانی با دیگران مشورت کن اگرچه کوچکتر از تو باشند، چه مشورت کردن بین کوچک و بزرگ جدا نمی کند!
- (۲) درباره هرچه نمی شناسی با دیگران مشورت کن اگرچه آنها از تو کوچکتر هستند، مشورت برای کوچک و بزرگ فرق قائل نیست!
- (۳) با دیگران درباره آنچه نمی دانی مشورت کن حتی اگر آنها کوچکتر باشند، زیرا طلب مشورت بین کوچک و بزرگ جدایی قائل نیست!
- (۴) از دیگران درباره هرچیزی که نمی شناسی مشورت بخواه حتی اگر از تو کوچکتر بودند، پس مشورت خواستن میان کوچک و بزرگ فرق نمی گذارد!

«إنّ عقائدنا هي التي تدعونا إلى أحسن الأعمال أو أسوأها و تُبعدنا من الخير أو الشر!» خارج ۹۸

- (۱) همانا این عقاید ماست که ما را به بهترین اعمال یا بدترین آن دعوت می کند و ما را از خوبی و بدی می راند!
- (۲) عقاید ماست که ما را دعوت به اعمال نیک یا زشتترین آنها می کند و ما از خوب بودن و بد بودن دوری می کنیم!
- (۳) همانا عقاید ماست که برای ما خوبترین کارها و زشتترین آنها را می خواند و ما از خوبی و بدی دوری می کنیم!
- (۴) بی تردید عقاید ماست که ما را به نیکوترین کارها یا بدترین آنها فرا می خواند و ما را از خوبی یا بدی دور می کند!

«أدعُ إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتي هي أحسن» تجربی ۹۸

- (۱) به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت کن، و با آنان با آنچه نیکوتر است مجادله کن!
- (۲) به راه خدای خود به وسیله دانش و پند نیکو فراخوان، و با آنان به وسیله سخنان خوب و زیبا مقابله کن!
- (۳) دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه پسندیده باشد، و با آنان با هرچه نیکوتر است مجادله کن!
- (۴) فراخواندن به راه خدای خود را از طریق پند و اندرز، زیبا انجام بده، و با آنان با شیوه ای بهتر مقابله کن!

عین الصحیح: زبان ۱۴۰۰

- ۱ (خیر إخوانی من أقرب إلی منی: بهترین برادرانم نزدیکترین کس به من هستند!
- ۲ (اعلم أن أقوى سلاحك قدرة الكلام و لینه: میدانم که نیرومندترین سلاح تو، قدرت سخنان و نرمی آن است!
- ۳ (أكبر الغنی الیأس عمّا فی أیدی الناس: بزرگترین بی نیازی ناامیدی از چیزی است که در دستان مردم است!
- ۴ (أنت أعلى و خلقك الحسن أثقل شیء فی المیزان: تو بلندمرتبه ترینی و اخلاق نیک سنگین ترین چیز در ترازوی تو است!
- عین الخطأ: اختصاصی ۹۸

- ۱ (من یقصد أن یسبح فی البحر: کسی که قصد دارد در دریا شنا کند،
- ۲ (یجب علیه أن یتعلم کیف یسبح: باید بیاموزد که چگونه شنا کند،
- ۳ (لأن السباحة فی البحر الذی له أمواج مرتفعة صعب: زیرا شنا کردن در دریایی که امواجی بلند دارد سخت است،
- ۴ (إنقاذ إنسان كهذا الإنسان أصعب كثيراً! و نجات یافتن چنین انسانی سخت است!

«در ترازوی چیزی سنگین تر از خوی نیکو نیست!» عین الصحیح: هنر ۹۹

- ۱ (لیس الشیء فی میزان أثقل من حسن الخلق!
- ۲ (فی میزان الشیء لیس ثقیل مثل حسن الأخلاق!
- ۳ (فی المیزان لیس شیء ثقیل من الأخلاق الحسن!
- ۴ (لیس شیء أثقل فی المیزان من الخلق الحسن!

«عالم ترین مردم کسی است که علم مردم را بر علم خود افزود!» عین الصحیح: تجریمی ۹۹

- ۱ (أعلم الناس من جمع علم الناس إلی علمه!
- ۲ (الأعلم الناس من قد یجمع علی علمه علم الناس!
- ۳ (الأعلم من الناس الذی یجمع علم الناس إلی علمه!
- ۴ (أعلم من الناس هو الذی قد جمع إلی علمه علم الناس!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

عین ما لیس فیهِ اسم التفضیل: هنر ۱۴۰۰

- ۱ (إن التّفکّر خیر من أي شیء حتی العبادة!
- ۲ (إن الجماعة خیر من الوحدة فعلیکم بالجماعة!
- ۳ (إن الطفل الصّغیر یری کلّ خیر فی أمه و یلجأ إلیها!
- ۴ (قد تكون جملة قصيرة خیراً من جملة طويلة لیبان نظرتنا!

عین ما فیهِ « اسم التفضیل » أكثر: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱ (أعوذ من الشرور بأحسن الخالقین!
- ۲ (أشرف الناس من یكون رؤوفاً للأسرة!
- ۳ (أحبّ أوسط الأمور لأنّها خیر الأعمال!
- ۴ (أفضلکم من هو ألین و ألطف للآخرین!

عین ما فيه اسم التفضيل: تجرئ ١٤٠٠

١ (لا خيرَ لنا في مصاحبة الإنسان الكذاب!

٢ (ما تُقدِّموا لأنفسِكُم من خيرٍ تجدوه عند الله!

٣ (جهِّز نفسك لِشَرِّ الأشياءِ و عليك أن تَرجو خيرها!

٤ (جَعَلَ اللهُ في كُلِّ نعمة خيراً إن لم يُبدِّلها إلى شراً!

عین ما فيه اسم التفضيل أقل: زبان ١٤٠٠

١ (إنَّ الخَوْفَ من الأُم أسوأ من نفس الأُم!

٢ (لا تنتظرُ النظرةَ الحُسنَى، اعملها، سيجيء لك خيرٌ منها!

٣ (إنَّ الأُم الذي يضطرك إلى السكوت أثقلُ من استغاثتك بأعلى الأصوات!

٤ (إنَّ الذين ينصحونك لأفضل الأمور هم الذين جربوا شَرَّ ظروف الحياة غالباً!

عین ما ليس فيه اسم التفضيل: خارج ١٤٠٠

١ (بني المديرَ سداً بخير الأشياء من الحديد و النحاس!

٢ (خير الصدقة علمٌ نتعلمه و نُعلِّمه الآخرين في حياتنا!

٣ (عليكم بالجماعة لأنَّ الكثير خير من القليل لأداء الأعمال!

٤ (في كُلِّ شيء خير و جمالاً لا تشاهدهما إلا أن تتنبه إليهما!

عین كلمة « خير » أو « شر » ليست اسم تفضيل: اختصاصی خارج ١٤٠٠

١ (خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَسَاعِدُ الْآخِرِينَ في حاجاتهم اليومية!

٢ (إنَّ تلوُّثَ الهواءِ شَرٌّ و هو من المهذدات النظام الطبيعة!

٣ (إنَّ السَّعادةَ بعد الغلبة على المصاعب عمل خير للإنسان!

٤ (هَجَمَتِ الفئرانُ على المزارع، و هذا العمل من شَرِّ المخربات للطبيعة!

عین ما ليس فيه اسم التفضيل: تجرئ ٩٩

١ (أكبر حيوان نراه حولنا هو الفيل!

٢ (يجب أن نرى الآخرين أحسن منّا!

٣ (أحسن إلى النَّاسِ كما تُريد أن يحسنوا إليك!

٤ (أكره الأعمال لقطع التواصل بين النَّاسِ هو الغيبة!

عین وزن «أفعل» ليس اسم تفضيل: زبان ٩٩

١ (السَّكوتُ أبلغُ كلامٍ مقابل الجاهل!

٢ (هذه السَّورة أعظم السُّور في القرآن الكريم!

٣ (مَنْ أحسن إليك فأحسن إليه، و هذا العمل حسن!

٤ (الغنى الأكبر اليأس من كلِّ ما في أيدي الآخرين!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

عین ما لیس فیہ اسم التفضیل: هنر ۹۹

- ۱ (هو فی حیاته أهدى مني كثيراً!
- ۲ (بكلامه اللين سمعنا أهدى الكلمات!
- ۳ (صديقي أهدى إلي كتاباً من مكتبته!
- ۴ (أهدى عملٍ نعرفه، هو بالعمل لا بالكلام!

عین ما فیہ اسم تفضیل: اختصاصی ۹۹

- ۱ (لنبتعد عن الأعمال التي تجعل الأراذل يحكمون علينا!
- ۲ (أحب صديقي الذي يفكر في أعماله و أساليبه دائماً!
- ۳ (كتب التلميذ واجباته متأخراً فما أَرْضَى معلمه عنه!
- ۴ (أسخط الصبور الشيطان بحلمه أمام المشاكل!

عین وزن «أفعل» لیس اسم تفضیل: اختصاصی ۹۹

- ۱ (أسعى الشباب، أخبرنا بنتيجة سعية!
- ۲ (إن زميلي حسناً أحسن إخوته في العائلة!
- ۳ (أهدى أخي عيوي إلي بعد ما أصلح نفسه!
- ۴ (زرت أطول الكهوف المائية مع أحب أصدقائي!

عین کلمة «الشر» لا يمكن أن تكون اسم التفضیل: خارج ۹۹

- ۱ (جهلنا شر أعدائنا إن نعرفه!
- ۲ (إن اليأس شر الأشياء لتخريب حياة البشر!
- ۳ (لا شر إلا أن يمكن دفعه بالتدبير!
- ۴ (الشرك بالله من شر الأعمال التي تُبْعَدنا عنه!

عین ما لیس فیہ اسم التفضیل: ریاضی ۹۸

- ۱ (أتقي الناس من لا يخاف الناس من لسانه!
- ۲ (كان من بين أصدقائي من هو أنجح التلاميذ!
- ۳ (أعلم أن من جمع علم الناس إلى علمه فهو عليم!
- ۴ (إن اللون الأبيض أحسن لونٍ لألبسة الممرضات!

عین ما لیس فیہ «اسم التفضیل»: زبان ۹۸

- ۱ (أفاضلنا من يحبون العلم و يعلمون به!
- ۲ (أحب المعلمين الذين ينفعون الناس بأعمالهم!
- ۳ (حسن الخلق أثقل الأعمال عند الله من عباده!
- ۴ (أحب إخواننا من يرشدوننا إلى فهم عيوبنا بكلام لين!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

عین کلمة «الخير» لیست اسم التفضیل: هنر ۹۸

- (۱) الخیر فی ما وقع!
- (۲) خیر الناس من یجبر نفسه علی الخیر!
- (۳) خیر الأعمال أوسطها!
- (۴) أحبّ أن أقوم بخیر الأعمال فی الحیاة!

عین ما فیہ اسم التفضیل: انسانی خارج ۹۸

- (۱) السّخیّ أکرم هؤلاء الفقراء!
- (۲) أنا أعلم أنّ هذا لیس مفیداً!
- (۳) هو عصی ربّه فندم علی عمله!
- (۴) الإجابة الحسنی تتعلّق بأخی!

عین الخطأ (فی التفضیل): انسانی ۹۸

- (۱) لا شک أنّ لغة القرآن أبلغ من جمیع اللّغات الأخری!
- (۲) إنّ أختی الصّغری هی التلمیذة الكبرى فی الصّف!
- (۳) معلّمونا فی المدرسة من أفاضل معلّمی البلاد!
- (۴) هذه التلمیذة صغری من زمیلاتها فی الصّف!

عین الخطأ عن اسم التفضیل: خارج ۹۸

- (۱) الحدیقة الصّغری مع الأشجار المثمرة أحسن من الحدیقة الكبرى من دون الأثمار!
- (۲) الإخوان الذین یساعدوننا فی أمورنا الصّعبة خیر إخوان فی حیاتنا!
- (۳) إنّ الأعمال الّتی نعملها لكسب الحلال فضلی من بقیة أعمالنا!
- (۴) ساعات تکفّرنا فی الیوم الواحد أقلّ من نومنا عادة!

عین ما فیہ اسم التفضیل و اسم المكان معاً: ریاضی ۹۹

- (۱) إنّ بعض المتاجر مفتوح إلى نهاية اللیل!
- (۲) رأیتُ مکتبة فی مدینتنا كانت من أكابر مکاتب العالم!
- (۳) نُحبّ أن نشتری ما نریده بثمن أرخص و نوعية أعلى!
- (۴) يجب أن یكون لون جدار المطابخ خاصّة فی الأماكن العامّة أبيض!

عین ما یدل علی المكان: اختصاصی ۹۸

- (۱) هو من مقاتلینا! (۲) یمشون فی مساکنهم! (۳) هو من مفاخر أمّتنا! (۴) مصالح الأمّة نحفظها!

های درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

درس ۲

«من يُؤمن بالله سنجح في طريقه، لاشك أنه قد استطاع أن يوصل نفسه إلى نصف الطريق!»: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱) هرکس ایمان داشته باشد که او در راهش پیروز خواهد شد، شکی نیست که خودش می تواند به نیمه راه برسد!
- ۲) آنکس که ایمان داشت که در آینده در راه خود موفق خواهد شد، حتماً خود توانسته است به اواسط راه برسد!
- ۳) کسی که ایمان داشته باشد به اینکه در راهش موفق خواهد شد، بی شک توانسته است خود را به نیمه راه برساند!
- ۴) هر آنکس که ایمان دارد به اینکه در مسیرش پیروز خواهد شد، قطعاً خواهد توانست که خود را به اواسط مسیر برساند!

﴿و ما تُقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله﴾: انسانی ۱۴۰۰

- ۱) هر چه از نیکیهای خود پیش بفرستید آنها را نزد الله می یابید!
 - ۲) آنچه از کارهای خیر برای خود تقدیم کنید آنها را نزد الله باز می یابید!
 - ۳) آنچه را از خوبی برای خودتان پیش بفرستید آن را نزد خداوند می یابید!
 - ۴) هر چه را از نیکیوی به خودتان تقدیم کنید آنها را در نزد خداوند باز می یابید!
- «إن شاهدت أحداً قد وصل إلى القمّة فإِنَّه كان يتحرّك عندما كان الآخرون نياماً!»: زبان ۱۴۰۰

- ۱) اگر کسی را دیدی که به قله رسیده است، قطعاً زمانی که دیگران خفته بودند او حرکت می کرد!
- ۲) اگر مشاهده کردی کسی به قله ای رسیده، حتماً در حرکت بوده است وقتی دیگران خوابیده بودند!
- ۳) اگر کسی را که به قله ای رسیده است ببینی، قطعاً حرکتی داشته در حالیکه دیگران خوابیده بودند!
- ۴) اگر مشاهده کنی کسی را که به قله رسیده، قطعاً در حالیکه دیگران خوابیده بودند می خواست حرکت کند!

«إذا يلتزم الإنسان بالصدق يتخلص من كل السيئات التي تضره!»: انسانی خارج ۹۹

- ۱) اگر انسان پایبند راستی و درستی باشد همه بدیهایی را که ضرر رسان به اوست، رها می کند!
- ۲) هرگاه انسان به همه صداقتها ملتزم شود از بدیهایی که به او ضرر می زند خلاص می شود!
- ۳) هرگاه انسان پایبند راستگویی باشد از همه بدیهایی که به او ضرر می رساند رها می شود!
- ۴) اگر انسان به صداقتها ملتزم باشد بدیهایی را که ضرر رساننده به او هستند رها می کند!

«من يتوقّف في الماضي يمكن أن يفقد مستقبله الذي يستطيع أن يكون أساس حياته!»: انسانی خارج ۹۹

- ۱) آن کس که در گذشته بماند، امکان دارد آینده ای را که احتمال دارد پایه زندگی او باشد، از دست بدهد!
- ۲) هرکس در گذشته متوقف شود ممکن است آینده اش را که می تواند اساس زندگی او باشد، از دست بدهد!
- ۳) کسی که در گذشته توقف کند، احتمال دارد آینده اش را از دست بدهد، درحالی که آن ممکن است اساس زندگی او باشد!
- ۴) هرکس در گذشته باقی بماند شاید آینده خود را از دست بدهد، حال آنکه آن آینده قادر است پایه زندگی او باشد!

«إن سمعتَ كلاماً تعلمه فهو تذكّر، و إن لا تعلمه ففكر فيه!»: اختصاصی ۹۸

- ۱) اگر سخنی را شنیدی که آن را می دانی پس آن تذکر است، و اگر نمی دانی پس درباره آن فکر کن!
- ۲) هرگاه سخنی را شنیدی که می دانستی پس آن تذکر بوده است، و اگر نمی دانی پس در مورد آن بیاندیش!
- ۳) اگر کلامی را گوش دادی که آن را می دانستی پس آن تذکری است، و اگر نمی دانستی پس فکرت را بکن!
- ۴) هرگاه به سخنی گوش دادی که آن را می دانی پس آن تذکری بوده است، و اگر نمی دانی پس درباره اش بیاندیش!

«جوان دروغگو هنگامی که برای بار سوم دروغ گفت نزدیک بود غرق شود»: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱ (الشابُّ الَّذي كَذَبَ كاذِبٌ يَغْرُقُ مَآ كَذَبَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ!
- ۲) كاذِبٌ الَّذي يَكْذِبُ يَغْرُقُ مَآ كَذَبَ لِلْمَرَّةِ الثَّلَاثَةِ!
- ۳) كاذِبٌ الكَذَّابُ يَغْرُقُ عِنْدَمَا كَذَبَ لِلْمَرَّةِ الثَّلَاثَةِ!
- ۴) الشَّابُّ الكَذَّابُ كانَ قد غرقَ عِنْدَمَا كَذَبَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ!

» هرکس قبل از سخن گفتن بیاندهشد، غالباً از خطا ایمن می گردد!»: انسانی خارج ۹۸

- ۱ (من يَفْكَرُ قَبْلَ الكَلَامِ يَسْلَمُ مِنَ الخَطَأِ غَالِباً!
- ۲) من تُفَكِّرُ قَبْلَ أن تَكَلِّمَ سَلَمَ مِنَ الخَطَأِ فِي الأَغْلَبِ!
- ۳) الَّذي يَفْكَرُ قَبْلَ أن تَكَلِّمَ قد يَسْلَمُ مِنَ الأَخْطَاءِ غَالِباً!
- ۴) الَّذي تَفَكَّرَ قَبْلَ المِکْمَالَةِ قد سَلِمَ مِنَ الخَطَايَا فِي الأَغْلَبِ!

عین الصحیح: زبان ۹۸

- ۱ (الذُّنُوبُ الكَبِيرَةُ: إثمٌ
- ۲) الَّذي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ: تائبٌ
- ۳) مَنْ لا يَرَاعِي القَانُونَ: مَشَاغِبٌ
- ۴) مَنْ يَتَكَلَّمُ بِصَوْتٍ ضَعِيفٍ: هَمَسٌ

عین «ما» شَرْطِيَّةٌ: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱ (ما تَتَعَلَّمُهُ مِنَ العُلُومِ المُخْتَلِفَةِ تُبَعِّدُكَ عَنِ الجَهَالَةِ!
- ۲) ما نَبَتَ الأشْجارُ الخانِقةَ فِي بِلَدِنَا لِأَنَّها أشْجارُ اسْتَوَائِيَّةٌ!
- ۳) ما وَجَدْتَ فِي ذلِكَ الكِتابِ الَّذي أثارَ فِي نَفْسِكَ بَعْدَ قِرائَتِهِ!
- ۴) ما مِنْ صابِرٍ يَصْبِرُ عَلى المِشْاكِلِ إِلاَّ وَهُوَ يَحْصِلُ عَلى النِّجَاحِ!

عین «ما» تَخْتَلِفُ فِي المَعْنَى: تجربی ۱۴۰۰

- ۱ (ما أَقْنَعِ المِتْکَلِّمُ المُسْتَمْعِينَ مَعَ أنَّ کَلِمَهُ لَيِّنٌ!
- ۲) ما قَطَعْتُ کَلِمَ مَعْلَمِي حَتَّى يَفْرَغَ مِنَ الكَلَامِ!
- ۳) ما اسْتَخْدَمَ المِزارِعُ السِّيَاحَ إِلاَّ لِحِمايَةِ مَحْصِلِهِ!
- ۴) ما أَجْمَلَ الصَّفَّ الَّذي يُحِبُّ المَعْلَمُ التَّلَامِيذَ وَ يُحِبُّونَهُ!

عین «مَنْ» تَخْتَلِفُ: هنر ۱۴۰۰

- ۱ (مَنْ يَسْأَلُ المَعْلَمَ تَعَنُّتاً إِلاَّ الطَّالِبُ المِشَاغِبُ!
- ۲) مَنْ عَمِلَ بِالقُرْآنِ فَهُوَ يَفْلِحُ!
- ۳) مَنْ غَيْرَ مَعْلَمِكَ الحَنُونَ يُعَلِّمُكَ ما لا تَعْلَمُ!
- ۴) سَيَعْلَمُ الجَمِيعُ مِنَ الفائِزِ غَداً!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

عین ما لیس فیہ أسلوب الشرط: زبان ۱۴۰۰

(۱) من علّم إنساناً أنقذه من ظلمة الجهل!

(۲) من كان أسوءً مناسبةً لكم في الحياة!

(۳) من يجالس العقلاء يكتسب فضائل كثيرة!

(۴) من عمل البرّ و الإحسان وجد نتيجة ذلك حقاً!

عین «ما» شرطيةً (في المعنى): اختصاصی ۱۴۰۰

(۱) ما تنتخب من هذه الكتب فهي مفيدة لك!

(۲) ما أرضى الآباء والأمهات إلا سعادة أولادهم!

(۳) ما من عالم يعمل بعلمه إلا وهو يرى الخير في نتيجة عمله!

(۴) ما هو عمل التلميذ الذي لا يدرس بعد إعلان نتائج الامتحانات!

عین «ما» تختلف في المعنى: خارج ۱۴۰۰

(۱) ما أحب هذا الطالب أن يعرف الآخرون فشله!

(۲) ما تحتاج هذه الغرفة هي مكتبة صغيرة فيها بعض الكتب!

(۳) ما أحسن الإنسان لأحد إلا وهو يرى نتيجة عمله بإحسان أفضل!

(۴) ما أخلص المؤمن لله إلا و ينابيع الحكمة قد ظهرت من قلبه على لسانه!

عین جواب الشرط يختلف: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

(۱) إن يقدر أحد أن يسخطك فهو قد تغلب عليك!

(۲) أن تغضب و تعمل بغضبك تقترب من مفسدة عظيمة!

(۳) إن يقصد الأحمق أن ينفعل لا يقدر لأنه يضرك بحماقته!

(۴) إن ندرس دروسنا في موعده نتخرج من المدرسة بعد سنة!

عین الجملة الشرطية: خارج ۹۹

(۱) من شاغب في الشارع و ضرّ الماشين!

(۲) من ضحك علينا ليؤذينا فإنه قليل الثقافة!

(۳) أحب من يلازم الجهد فإنه ناجح في حياته دائماً!

(۴) من يجتهدون في حياتهم فإنهم واصلون إلى غاياتهم!

عین ما لیس فیہ الشرط: اختصاصی ۹۹

(۱) من سهر في سبيل الله فهو غير باك يوم القيامة!

(۲) من يسجل هدفاً و الحكم يقبله نجعله في فريقنا الفائز!

(۳) من استطاع أن يحصل على مشتقات النفط اکتفى بنفسه!

(۴) من يزرع شجرة الجوز يعلم أنها لا تثمر إلا بعد عشر سنوات!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

عین «ما» شرطیة: زبان ۹۹

۱ (ما فعلتُ هذا لك حتى أتوقّع أجره!

۴) ما تقول عنه في هذا الأمر غير صحيح!

۳) ما تزرع في ا لدنيا حتى ترى نتيجته في الآخرة!

۴ (ما تطلب من الخير للآخرين فإنك ترى نتيجته!

عین جواب الشرط يختلف نوعه عن الباقي: هنر ۹۹

۱ (إن تتركوا أداء واجباتكم المدرسية ترسبوا في نهاية السنة!

۲ (إن نندم على أعمالنا السيئة نُغيرها بعد مدّة بسهولة!

۳ (إن ينم طفلٌ صغير في الغرفة أتكلّم همساً!

۴) إن يقطع أحدٌ كلام الآخرين فهو قليلُ الأدب!

عین ما ليس فيه أسلوب الشرط: زبان ۹۸

۱ (من لا يتدخّل في موضوع لايرتبط به يعمل عملاً عقلاً!

۲ (من رأيت من الأصدقاء يدعوك إلى الخير فبجّله تبجيلاً!

۳ (من لم يقل كل ما علم فهو يبعد نفسه عن الخطأ!

۴) من بعث ليتّم مكارم الأخلاق هو النبي الأكرم!

عین ما ليس فيه أسلوب الشرط: تجرّبی ۹۸

۱ (من يحسن إلى الناس فالأهل يجزيه على أحسنه!

۲ (من يعامل الناس بالسوء لينظر إلى عاقبة أمره!

۳ (من يلتزم بأن يكون عاملاً بما يقول فهو مؤمن!

۴ (من سار في طريق العلم لايندم و إن تحمّل المشقّة!

عین « ما » شرطیة: اختصاصی ۹۸

۱ (ما أظلم الإنسان في حياته الضّعفاء!

۲ (ما من طائرٍ إلّا و له جناحان يطير بهما!

۳ (ما عندي وصفة كتب الطيب فيها الأدوية اللازمة لي!

۴ (ما تعمل من خير في الدنيا تجد ثمرته في الآخرة!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

درس ۳

﴿أرسلنا إلى فرعونَ رسولاً، فعصى فرعونَ الرسولَ!﴾: ریاضی ۱۴۰۰

- (۱) پیامبر را که برای فرعون مبعوث کردیم، فرعون از او اطاعت نکرد!
- (۲) بسوی فرعون رسولی فرستادیم، پس فرعون از آن رسول نافرمانی کرد!
- (۳) رسولی بسوی فرعون گسیل داشتیم، ولی فرعون از رسول ما سرپیچی کرد!
- (۴) برای فرعون آن پیامبر را ارسال کردیم، پس فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد!

«رَمَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَمْلِكَ بِالظُّلْمِ كُلَّ مَا تَرِيدُ، وَلَكِنْ بَدْعَاءُ مَظْلُومٍ تَفْقَدُ كُلَّ مَا قَدِ مَلَكَتَ!»: انسانی ۱۴۰۰

- (۱) چه بسا بتوانی با ظلم هرچه را بخواهی مالک شوی، ولی با دعای یک مظلوم همه آنچه را مالک شده ای، از دست می دهی!
- (۲) چه بسا توانسته باشی بوسیله ظلم هرچه را دوست داری مالک شوی، اما با دعای مظلوم علیه تو همه آنچه را کسب کرده ای، از دست خواهی داد!
- (۳) شاید توانائی داشته باشی با ظلم همه آنچه را بخواهی به چنگ آوری، اما با یک نفرین مظلوم تمام آنچه را که در دستان تو است، از دست می دهی!
- (۴) شاید قادر باشی بوسیله ظلم تمام چیزهایی را که دوست داری بدست آوری، ولی با یک دعای مظلوم همه چیزهایی را که مالک شده ای، از دست می دهی!

«هناك أشجارٌ تعيش بالالتفاف حول جذور و جذوع الأشجار الأخرى و تنمو بخلق الآخرين»: تجربی ۱۴۰۰

- (۱) درختهایی وجود دارند که با پیچیدن اطراف ریشه و تنه درختهای دیگر زندگی کرده و با خفقان بقیه رشد کرده اند!
- (۲) درختهایی هستند که دور ریشه و تنه دیگر درختها پیچیده زندگی و رشد می کنند در حالی که برای بقیه خفقان می آورند!
- (۳) درختانی وجود دارند که با پیچیدن دور ریشه ها و تنه های درختان دیگر زندگی می کنند و با خفه کردن دیگران رشد می کنند!
- (۴) آنجا درختانی با در برگرفتن ریشه ها و تنه های درختان دیگر زندگی می کنند و رشد می نمایند در حالیکه دیگران را خفه می کنند!

«السيرة الحسنة كشجرة الزيتون، لاتنمو سريعاً و لكنها تعيش طويلاً»: زبان ۱۴۰۰

- (۱) یک رفتار نیکو مانند درخت زیتون سریع نمی بالد ولی زندگی طولانی خواهد داشت!
- (۲) راه و روش خوب چون درخت زیتون است، بسرعت رشد نمی کند اما طولانی زندگی می کند!
- (۳) سیره نیک همچون درخت زیتون است که سریع رشد نمی کند، ولی زندگی طولانی می کند!
- (۴) یک سیره حسنه مانند درخت زیتونی است که بسرعت بزرگ نمی شود، اما زندگی طولانی است!

«الجمالُ هو أن تزرع وردةً في بستان، ولكنَّ الأجمَلَ منه هو أن تغرس الحَبَّ و الصَّدق في قلب إنسان!»: خارج ۹۹

- (۱) زیبا آن است که گلی در بوستان کاشته شود، ولی زیباتر از آن کاشتن عشق و راستی در قلب انسان است!
- (۲) (زیبایی همان است که گلی را در یک بوستان بکاری، ولیکن زیباتر، کاشتن محبت و صفا در دل انسان است!
- (۳) زیبا آن است که به کاشت گلی در بوستان پردازی، ولی زیباتر از آن اینکه دوستی و راستی را در دل یک انسان بکاری!
- (۴) (زیبایی آن است که گلی را در بوستانی بکاری، ولیکن زیباتر از آن این است که محبت و صداقت را در قلب انسانی بکاری!

«عمر نوع من هذه الأشجار الطويلة العجيبة قد يصل إلى أكثر من خمسمائة سنة!»: ریاضی ۹۹

(۱) یک نوع از این درخت‌های بلند، عمرش شگفت‌انگیز است، گاهی به بیش از پانصد سال می‌رسد!

(۲) یک نوع از این درخت‌های بلند شگفت‌انگیز، عمرشان قطعاً بیشتر از پانصد سال است!

(۳) عمر نوعی از این درختان که بلند و عجیب هستند قطعاً بیشتر از پانصد سال است!

(۴) عمر نوعی از این درختان بلند عجیب گاهی به بیش از پانصد سال می‌رسد!

﴿أرسلنا إلى فرعون رسولا فَعَصَى فرعون الرسول﴾: انسانی ۹۹

(۱) به‌سوی فرعون رسولی فرستادیم و فرعون از آن رسول نافرمانی کرد!

(۲) رسولی را برای فرعون ارسال کردیم و فرستاده از فرعون تبعیت نکرد!

(۳) برای فرعون پیامبر را مبعوث کردیم و فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد!

(۴) پیامبری را به‌سوی فرعون مبعوث کردیم و آن پیامبر بر فرعون عصیان کرد!

«کشاورزان از چاه روستا آبی استخراج کردند»: اختصاصی ۱۴۰۰

(۱) استخراج الفلاحون ماء من بئر القرية!

(۲) استخراج هؤلاء الفلاحون ماء من بئر القرية!

(۳) استخراجوا الفلاحون ماء من البئر في قرية!

(۴) استخراجوا هؤلاء الفلاحون الماء من بئر في القرية!

«اسب‌هایی را دیدم، آن اسب‌ها کنار صاحبشان بودند!»: تجربی ۹۸

(۱) نظرتُ أفراساً، و كانت أفراس في جنب صاحبها!

(۲) شاهدتُ الأفراس التي كانت في جنب صاحبها!

(۳) وجدتُ الأفراس و هي كانت جنب صاحبها!

(۴) رأيتُ أفراساً، كانت الأفراس جنب صاحبها!

عین الخطأ عن المفهوم: تجربی ۱۴۰۰

(۱) الزرع: مكانٌ يعمل المزارع فيه!

(۲) زرع: جعل البذور تحت التراب!

(۳) المزارع: من يزرع شيئاً في الأرض ثم يحصده!

(۴) المزارع: الأراضي التي زرع فيها الزرع، و الزارع يحصده!

عین الخطأ عن المفهوم: زبان ۱۴۰۰

(۱) القرض: المال الذي نأخذه من أحد و نرجعه بعد مدة!

(۲) الصدقة: المال الذي لا نُقدّمه إلا إلى المحتاجين!

(۳) الأجر: المال الذي يُعطى إلى العامل لعمله!

(۴) التراث: المال الذي ورثه الوارث للآخرين!

عین الخطأ: زبان ۹۹

(۱) الأرجل: يمشي الإنسان بها!

(۲) المتفرج: الذي يشجع اللاعب في المسابقة!

(۳) السائح: من يفرح الناس لزيارة الآثار التاريخية!

(۴) المشكاة: زجاجة فيها مصباح ينتشر الضوء من داخلها!

عین حرف «ال» معناه اسم الإشارة: انسانی خارج ۹۸

(۱) يقفز السنجاب الطائر بغشائه الخاص، هذا الغشاء كالمظلة!

(۲) الإجابة قبل أن تسمع الكلام سمعاً جيداً من أخلاق الجهلاء!

(۳) لا نقدر أن نرى جناحي الطنان لأن سرعة حركة الطنان كثيرة!

(۴) يا رب! أعوذ بك من قلب لا يخشع، كأن القلب يبتعد عن ربه!

درس ۴

«هُؤْلَاءِ الْأَصْدِقَاءِ الْأَوْفِيَاءِ لَا يَكْذِبُونَ أَبَدًا لِأَنَّهُمْ قَدْ عَوَّدُوا أَنْفُسَهُمْ عَلَى الصَّرَاحَةِ فِي الْكَلَامِ!»: خارج ۹۹

- ۱) این دوستان باوفا هرگز دروغ نمی‌گویند زیرا آنان خود را به صراحت در سخن عادت داده‌اند!
- ۲) این دوستان باوفا ابداً دروغ نمی‌گویند برای اینکه آنها به صریح گفتن خویش عادت کرده‌اند!
- ۳) اینها دوستان باوفائی هستند که هرگز دروغ نمی‌گویند زیرا آنان به صراحت خود، عادت کرده‌اند!
- ۴) اینها دوستان باوفایند که ابداً دروغ نمی‌گویند برای اینکه خودشان را به صریح گفتن، عادت داده‌اند!

«طَوْبِي لِمَنْ يُعَوِّدُ لِسَانَهُ عَلَى الْكَلَامِ اللَّيِّنِ حَتَّى لَا يَخَافُ النَّاسُ مِنْهُ بَلْ يَقْبَلُونَ عَلَيْهِ!»: تجربی ۹۹

- ۱) خوشا به حال کسی که زبان خود را به کلام نرم عادت دهد تا مردم از او نترسند بلکه به او روی آورند!
- ۲) خرم آن کس که زبان او به سخن لطیف عادت نماید تا زمانی که مردم از او نترسند و او را قبول داشته باشند!
- ۳) خوشا آن کس که زبانش را به کلامی لطیف عادت دهد تا نه تنها مردم از او نترسند بلکه به او روی آورند!
- ۴) خوش به حال آن کسی که زبانش به سخن نرم عادت کند تا اینکه مردم از او نترسند و نیز او را بپذیرند!

«مَا دَخَلْتُ الْمَكْتَبَةَ شَاهِدَةً طَلَبًا يُطَالَعُونَ دَرُوسَهُمْ بَجْدًا!»: هنر ۹۸

- ۱) وقتی وارد کتابخانه شدم دانش آموزانی را دیدم که با جدیت دروس خود را مطالعه می‌کردند!
- ۲) آنگاه که به کتابخانه داخل شدم دانش آموزان را دیدم که دروس خود را با جدیت مطالعه می‌کنند!
- ۳) آنگاه که وارد کتابخانه‌ای شدم دانش آموزانی را مشاهده کردم که با جدیت درسهای خود را مطالعه می‌کنند!
- ۴) وقتی داخل کتابخانه‌ای شدم دانش آموزان را مشاهده کردم که بطور جدی درسهای خود را مطالعه می‌کردند!

«وَجَدْتُ الشَّمْسَ أَقْوَى مَصْدَرٍ يَكْفِينَا نُورَهَا وَ حَرَارَتَهَا، دُونَ أَنْ تَقْرَبَ إِلَيْنَا أَوْ تَبْتَعِدَ عَنَّا!»: خارج ۹۸

- ۱) دیدم خورشید قویترین منبع است که نور و حرارتش، بدون اینکه به ما نزدیک و یا از ما دور شود برایمان کافی است!
- ۲) خورشید را پر انرژی‌ترین منبع یافتم که نور و حرارتش برایمان کافی است، بدون نزدیکی به ما و دوری از ما!
- ۳) خورشید را نیرومندترین منبعی یافتم که نور و حرارت آن، بی‌آنکه به ما نزدیک شود و یا از ما دور شود برای ما کافی می‌باشد!
- ۴) این خورشید قدرتمندترین منبعی است که نور و حرارتش برای همه ما کافی می‌باشد بدون آنکه بتواند نزدیک به ما یا دور از ما شود!

«لَكُلِّ مَوْجُودٍ سَلْحٌ يُدَافِعُ بِهِ عَنِ نَفْسِهِ غَرِيزِيًّا وَ هَذَا السَّلْحُ فِي الْإِنْسَانِ عَقْلُهُ!»: اختصاصی خارج ۹۸

- ۱) برای هر موجود یک سلاح غریزی وجود دارد که از خویش دفاع می‌کند و انسان سلاحش عقل است!
- ۲) هر موجودی سلاحی دارد که با آن به‌طور غریزی از خود دفاع می‌کند، و این سلاح در انسان عقل اوست!
- ۳) برای هر موجودی سلاحی است غریزی که با آن خطر را از خود دفع می‌کنند و در انسان این سلاح عقل او است!
- ۴) هر موجودی سلاحی دارد که با آن از روی غریزه از خویش دفع خطر می‌کند، و این سلاح در انسان عقل است!

عَيْنُ الصَّحِيحِ: اختصاصی خارج ۹۹

- ۱) بعضُ النَّاسِ مِنْ نُهُاةِ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ دَائِمًا: بعضی از مردم از نهي کنندگان کارهای بد همیشگی هستند!
- ۲) وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنَ الشَّبَابِ لَا يَحْبُونَ أَمْرَهُمْ وَ نَهْيَهُمْ: ولی جوانان، بسیاری از امر و نهي آنان را دوست ندارند،
- ۳) وَ يَرِيدُونَ أَنْ يَصِلُوا هُمْ أَنْفُسَهُمْ إِلَى نَتِيجَةِ أَعْمَالِهِمْ: و می‌خواهند که آنها خودشان به نتیجه کارهایشان برسند،
- ۴) نَعَمْ، قَدْ يَصِلُونَ إِلَى النَّتِيجَةِ وَلَكِنْ مَعَ خَسَارَةٍ لَا تُعْوِضُ!: آری، قطعاً به نتیجه می‌رسند اما با خسارتی که جبران نمی‌شود!

عین الخطأ: خارج ۹۹

- ۱ (هل تعلم أنك تستطيع أن تصنع العطر من النفط: آیا می‌دانی که تو می‌توانی از نفت عطر بسازی!
- ۲ (أحبُّ أن يجعلني الله ممن يبقى ذكركم: دوست دارم که خدا مرا از کسانی قرار دهد که یادشان باقی می‌ماند!
- ۳ (للمؤمن كلامٌ لين يجذب به قلوب الناس: مؤمن سخنی نرم دارد که بوسیله آن قلبهای مردم را جذب می‌کند!
- ۴ (اللهم، أعطنا ما نحبُّ و اجعله في سبيل كسب رضاك: خدایا! به ما آنچه را دوست داری عطا کن و آن را در راهی قرار بده که راضی هستی!

عین الخطأ: خارج ۹۹

- ۱ (قلُّه الكلام من آداب من عودوا لسانهم عليها: کم سخن گفتن از آداب کسانی است که زبانشان را به آن عادت داده‌اند!
- ۲ (طوبى لمن يحفظ نفسه من ال زل بالتفكر المستمر: خوشا به حال کسی که با اندیشیدن مداوم، خودش از لغزش حفظ می‌کند!
- ۳ (لعقول المستمعين قدر فكلهم على ذلك القدر: عقل‌های شنوندگان قدر و اندازه‌ای دارد پس سخنان آنها به اندازه همان است!
- ۴ (يحدث الجاهل ما يخاف تكذيبه و لذلك يندم: نادان از چیزی سخن می‌گوید که از تکذیبش می‌ترسد و به این دلیل، پشیمان می‌شود!

«دانش آموزی را می بینم که تمرینهای درس را در کلاس می نویسد»: انسانی ۱۴۰۰

۱ (أشاهد طالباً يكتب تمارين الدرس في الصف!

۲ (رأيت في الصف الطالب يكتب تمارين الدروس!

۳ (أشاهد في الصف طالباً و هو يكتب تمارين الدرس!

۴ (رأيت الطالب و هو يكتب تمارين الدروس في الصف!

«سخن بگوئید تا شناخته گردید، زیرا شخص در زیر زبانش پنهان شده است!»: عین الصحیح: خارج ۹۹

۱ (تحدّثوا تعرّفوا فالمرء مخبوء في لسانه!

۲ (تكلموا تعرّفوا فإن المرء مخبوء تحت لسانه!

۳ (تحدّثوا كي تعرّفوا فكل شخص مخفي من لسانه!

۴ (تكلموا حتى تعرفن لأن كل شخص مخفي خلف لسانه!

«امروز کتابی خریدم که قبلاً آن را دیده بودم!»: زبان ۹۹

۱ (هذا يوم اشترت الكتاب و رأيت قبل هذا!

۲ (اشترت اليوم كتاباً قد رأيت من قبل!

۳ (هذا اليوم اشترت كتاباً رأيت قبل هذا!

۴ (قد اشترت اليوم الكتاب و رأيت من قبل!

«برنامه‌ای را یافتم که مرا در آموختن عربی کمک می‌کرد!»: زبان ۹۸

۱ (حصلت على البرنامج الذي يساعد لي تعلم العربية!

۲ (رأيت البرنامج و هو يساعدني لتعليم اللغة العربية!

۳ (وجدت برنامجاً يساعدني في تعلم العربية!

۴ (أخذت برنامجاً يساعد في تعليم اللغة العربية!

عین الوصف یختلف عن الباقي: هنر ۱۴۰۰

۱ (اغتنموا الفرص القليلة و بدلوها إلى فرص ذهبية!

۲ (كن في الشدائد كجزيرة لا يكون البحر قادراً أن يبلغها!

۳ (آثارنا التاريخية فخرونا و هي من أهم الآثار التي سجلت في ذاكرتنا!

۴ (كانت سيارتنا معطلة فجعلتها في موقف تصليح السيارات لمدة أسبوع واحد!

عین ما لیس فیہ فعلٌ یصف ما قبله: انسانی ۱۴۰۰

- ۱ (للهرباء عینٌ تدور کلّ اتجاه تُریده!
- ۲ (لا ترفع صوتک بأیّ دلیل عندما تتکلم مع أمک !
- ۳ (یقدّم لقمان مواظ قيمة یشیر القرآن إليها!
- ۴ (ألف کتاب عظیم یحصی مدنا الجذابة للسیاحة!

عین الصفة یختلف نوعها: زبان ۱۴۰۰

- ۱ (قرأنا الآراء المتعددة فی هذا الموضوع فنفکر فیہ!
- ۲ (شاهدتُ التلامیذ یلعبون فی الملعب الکبیر مع أصدقائهم!
- ۳ (هذا هو التلمیذ الناجح یمشی و یضحک مع بقية التلامیذ!
- ۴ (أبی مزارع یجتهد دائماً و لا یرضی بأن یتک هذه القرية!

عین الصفة یختلف نوعها: خارج انسانی ۱۴۰۰

- ۱ (نحن نغرس الأشجار المثمرة و نأمل أن نستفید منها!
- ۲ (إن الدنيا عند المؤمن أهون من ورقة تقضمها الجرادة!
- ۳ (یقدر التمساح أن یأکل فريسة أكبر من فمه بسهولة!
- ۴ (تُساعد الذاكرة القویة الإنسان على التعلّم الأحسن!

عین المفعول موصوفاً بالجملة: انسانی ۹۸

- ۱ (أشکرک یا ربی بأن حسنت خلقي!
- ۲ (قد یأکل التمساح فريسة أكبر من فمه!
- ۳ (سجّل هدفک و اذهب إليه بقوة و إرادة!
- ۴ (أتعرف طائراً ینقر جذوع الأشجار لصنع العش!

عین ما فیہ توصیفٌ للنكرة (الجملة الوصفية): هنر ۹۸

- ۱ (أحب أن أزور «حامداً» و هو غائب عنا منذ السنة!
- ۲ (الکعبة الشریفة بناء مقدس بناه «إبراهیم» علیه السلام!
- ۳ (عرف «حافظ» عارفاً و هو قد استفاد من لغة القرآن فی آبیاته!
- ۴ (أسرة «صادق» ما عرفت «منصوراً» کان یشغل فی المزرعة معه!

عین مضارعاً ۱ یمكن أن یعادل «الماضي الاستمراري» فی الفارسية: انسانی ۹۸

- ۱ (سنجد برنامجاً لك یعینك فی دروسك كلها!
- ۲ (شاهدتُ مناظر فی طریق السفر یعجبني جمالها!
- ۳ (العاقل یستشیر الصادق فی أموره حتى یقرّبه من الحقائق!
- ۴ (بعضنا یحدّث بكلّ ما یسمع به، و هذا عمل غیر صحیح!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

درس ۵

« لا نَقْدَرُ أَنْ نَضَطَّرَ التَّلْمِيذَ الَّذِي عَوَّدَ نَفْسَهُ الْكَسَلَ، إِلَى التَّحَرُّكِ وَالْاجْتِهَادَ لِلتَّقَدُّمِ فِي الْحَيَاةِ، بِسَهُولَةٍ!»: هنر ۱۴۰۰

- ۱) دانش آموزی که خودش را به تنبلی عادت داده، نمی توانیم به آسانی به تحرک و تلاش برای پیشرفت در زندگی وادار کنیم!
- ۲) دانش آموزی که خود به تنبلی عادت کرده، به سادگی قادر نیستیم او را به حرکت و تلاش برای پیشرفت در زندگی وادار نمائیم!
- ۳) دانش آموزی که خود را به تنبلی عادت داده، به سادگی قادر نیستیم به تحرک و تلاش برای پیشرفت در زندگی وادار نمائیم!
- ۴) دانش آموزی را که خودش به تنبلی عادت کرده، نمی توانیم به آسانی به حرکت و تلاش برای پیشرفت در زندگی ناگزیر کنیم!

« فِي الْحَيَاةِ الْفَرْدِيَّةِ مِنَ الْجَمِيلِ جَدًّا أَنْ تَجْعَلَ عَدُوَّكَ صَدِيقًا، وَ الْأَجْمَلَ أَلَّا يَتَّسَعَ قَلْبُكَ لِلْعَدَاوَةِ!»: تجربی ۱۴۰۰

- ۱) (در زندگی شخصی زیباست جداً که دشمنت، دوست گردد و زیباتر است که قلبت برای دشمن شدن، فراخ نگردد!
- ۲) بسیار زیباست که در زندگی شخصی، دشمن خود را دوست بگردانی، و زیباتر اینکه قلبت برای دشمنی فراخ نشود!
- ۳) بسیار زیباست که در زندگی شخصی دشمنت را، دوست قرار بدهی، و زیباتر اینکه قلب خود را برای دشمنت گسترده نکنی!
- ۴) زیباست که در زندگی شخصی از دشمن خود دوست بسازی، و زیباتر است که قلب خود را برای دشمن شدن، گسترش ندهی!

« مَا قَلَّ عَدَدُ الْأَشْخَاصِ الْمُخْلِصِينَ الَّذِينَ نَسْتِطِيعُ أَنْ نَسْتَعِينُ بِهِمْ حَتَّى نَجِدَ طَرِيقًا بِسَهُولَةٍ!»: تجربی ۱۴۰۰

- ۱) کم نشده است تعداد افراد با اخلاص که بتوانیم از آنها یاری بجوئیم تا راه خود را براحتی بیابیم!
- ۲) چه کم اند افرادی که مخلص باشند و بتوانیم از آنها یاری بخواهیم تا راهی آسان برای خود پیدا کنیم!
- ۳) کم نبوده است افراد مخلصی که می توانستیم از آنها یاری بخواهیم تا اینکه راه آسان خود را پیدا کنیم!
- ۴) کم نیست تعداد اشخاص با اخلاصی که می توانیم برای یاری جستن به آنها روی آوریم تا راه خویش را راحت بیابیم!

﴿أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٍ﴾: خارج ۱۴۰۰

- ۱) از آنچه به شما روزی دادیم انفاق کنید قبل از اینکه روزی بیاید که نه فروشی (تجارتی) در آن است و نه دوستی
- ۲) آنچه را روزی شما کردیم انفاق کنید پیش از اینکه آن روز فرا رسد که نه خرید و فروشی در آن است و نه شفاعتی!
- ۳) از چیزهایی که به شما روزی داده ایم به دیگران بدهید پیش از اینکه آن روز بیاید که نه خریدی در آن است و نه شفاعتی!
- ۴) چیزهایی را که روزی شما قرار دادیم به دیگران ببخشید قبل از اینکه روزی فرا رسد که نه معامله ای در آن است و نه دوستی!

«يُمْكِنُ أَنْ تَنْسَى مَنْ شَارَكَكَ فِي الضَّحْكِ، لَكِنَّكَ لَنْ تَنْسَى مَنْ شَارَكَكَ فِي الْبُكَاءِ أُبْدًا!»: خارج ۱۴۰۰

- ۱) شاید هر کس که در خندیدن با تو همراه بود، فراموش شود اما کسی که در گریستن با تو همراه بود فراموش نخواهد شد!
- ۲) می توانی آن کسی را که در خنده همراهی کرد فراموش کنی، اما هرگز آن کسی را که در گریه همراهیت کند فراموش نمی کنی!
- ۳) می شود آن کسی را که در خنده با تو همراهی کرده است فراموش کنی، اما کسی را که در گریه با تو همراهی می کند ابداً فراموش نمی کنی!
- ۴) امکان دارد کسی را که در خندیدن با تو همراهی کرد فراموش کنی، اما کسی را که در گریه کردن با تو همراهی کرد هرگز فراموش نخواهی کرد!

﴿أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةً﴾: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱) از آنچه به شما روزی دادیم انفاق کنید قبل از اینکه روزی بیاید که نه فروشی (تجارتی) در آن است و نه دوستی!
- ۲) آنچه را روزی شما کردیم انفاق کنید پیش از اینکه آن روز فرا رسد که نه خرید و فروشی در آن است و نه شفاعتی!
- ۳) از چیزهایی که به شما روزی داده‌ایم به دیگران بدهید پیش از اینکه آن روز بیاید که نه خریدی در آن است و نه شفاعتی!
- ۴) چیزهایی را که روزی شما قرار دادیم به دیگران ببخشید قبل از اینکه روزی فرا رسد که نه معامله ای در آن است و نه دوستی!

«الْفُشْلُ تَحْمَلُهُ صَعْبٌ وَلَكِنَّهُ يَخْلُقُ لَكَ فُرْصًا سَتَسْتَفِيدُ مِنْهَا لِلنَّجَاحِ!»: تجربی ۹۹

- ۱) تحمل شکست دشوار است ولی شکست برای تو فرصتی را می‌آفریند که از آن در پیروزی استفاده می‌کنی!
- ۲) پذیرش شکست سخت است لکن موقعیت‌هایی برای تو خلق می‌شود که از آن برای پیروزشدن استفاده می‌کنی!
- ۳) شکست خوردن و پذیرش آن دشوار است اما موقعیت‌هایی که برای تو خلق می‌کند، از آن‌ها در پیروزی استفاده خواهی کرد!
- ۴) شکست تحملش سخت است ولیکن برای تو فرصت‌هایی می‌آفریند که از آن‌ها برای پیروزشدن استفاده خواهی کرد!

«يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَقْتَصِدَ فِي اسْتِهْلَاكِ قُوَّةِ الْكَهْرِبَاءِ حَتَّى لَا نُوجِهَ قَطْعَهَا فِي الْأَيَّامِ الَّتِي نَحْتَاجُ إِلَيْهَا!»: انسانی ۹۹

- ۱) ما باید در مصرف نیروی برق صرفه‌جویی کنیم تا در روزهایی که به آن نیاز داریم با قطع آن مواجه نشویم!
- ۲) صرفه‌جویی در مصرف انرژی برق واجب است تا با قطع‌شدنش در روزهایی که به آن نیاز داریم روبه‌رو نشویم!
- ۳) لازم است در مصرف انرژی برق صرفه‌جویی کنیم زیرا در روزهایی که با قطعی آن مواجه می‌شویم به آن نیاز داریم!
- ۴) بر ما لازم است که در مصرف نیروی برق صرفه‌جویی کنیم زیرا در روزهایی که با قطع‌شدنش روبه‌رو می‌شویم به آن احتیاج داریم!

«هَذَا جَمِيلٌ جَدًّا أَنْ تَجْعَلَ عَدُوَّكَ صَدِيقًا، وَ الْأَجْمَلُ مِنْهُ هُوَ أَلَّا تَفْتَحَ بَوَابَهُ قَلْبِكَ لِلْعَدَاوَةِ، بَلْ تُسَبِّبْ تَحْوِيلَهَا إِلَى صَدَاقَةٍ!»: اختصاصی ۹۹

- ۱) این جدًّا زیباست که دشمنت را دوست بگردانی، و زیباتر این بود که دروازه قلب خود را برای دشمن نگشایی، بلکه باعث تحوّل آن به دوستی بشوی!

- ۲) این بسیار زیباست که دشمن خود را دوست بگردانی، و زیباتر از آن اینست که دروازه قلبت را برای دشمنی نگشایی، بلکه سبب تبدیل آن به دوستی بشوی!

- ۳) این زیباست جدًّا که دشمن را دوست خود گردانده‌ای، و زیباتر از آن اینکه دروازه قلب خود را به روی دشمنی باز نکرده‌ای، تا سبب شوی دوستی به دشمنی تحوّل پیدا کند!

- ۴) این چقدر زیباست که دشمن خود را دوست گردانده‌ای، اما زیباتر این است که دروازه قلبت را برای دشمنی باز نکنی، بلکه سبب شوی آن دشمنی به دوستی تبدیل شود!

«مَا أَجْمَلٌ أَنْ تَرَى نَهَايَةَ أَحْزَانِكَ الْمَاضِيَةِ لِتَبْدَأَ حَيَاةً جَدِيدَةً قَرِحَةً»: هنر ۹۹

- ۱) چه زیباست که پایان غم‌های گذشته‌ات را ببینی تا زندگی جدید شادی را شروع کنی!
- ۲) چیزی زیباتر است که غم‌های گذشته‌ات را پایان دهد تا یک زندگی جدید را با شادی آغاز کنی!
- ۳) چه زیباست که ببینی اندوه‌های گذشته‌ات پایان یافته برای اینکه زندگی جدید شادی شروع شود!
- ۴) آنچه زیباتر است اینست که پایان ناراحتی‌های قبلی‌ات را ببینی برای اینکه زندگی جدیدی شادمانه شروع شود!

«لَا تَسْتَشِرَ الْكَذَّابَ، فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يَقْرَبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ!»: ریاضی ۹۸

- ۱) با شخص کذاب مشورت مکن، زیرا او چون سراب است، دور را بر تو نزدیک می نماید و نزدیک را دور!
- ۲) دروغزن را مورد مشورت خویش قرار نده، چه او همچون سراب بعید را به تو نزدیک می نماید و قریب را دور!
- ۳) با شخص دروغگو مشورت نکن، چه او مانند سراب دور را به تو نزدیک می کند و نزدیک را از تو دور می سازد!
- ۴) کذاب را مشاور خود قرار مده، زیرا او مانند سراب است که بعید را به تو قریب می کند و قریب را از تو بعید می سازد!

«أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةً وَلَا شَفَاعَةً»: انسانی ۹۸

- ۱) از آنچه به شما روزی می دهیم انفاق کنید قبل از آنکه روزی بیاید که در آن هیچ فروش و دوستی نیست و نه شفاعتی!
- ۲) انفاق کنید از آنچه روزی دادیم شما را، پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه فروشی در آن است و نه دوستی و نه شفاعتی!
- ۳) بخشش کنید از چیزهایی که روزیتان دادیم پیش از اینکه آن روز فرا رسد که هیچ فروش و دوستی و شفاعت در آن نیست!
- ۴) از آنچه روزی شما قرار می دهیم بخشش کنید قبل از اینکه آن روز بیاید که فروش در آن نیست و دوستی و شفاعت نیز نیست!

«يَبْلِغُ الصَّادِقُونَ بِصَدَقِهِمْ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُونَ بِاحْتِيَالِهِمْ!»: تجربی ۹۸

- ۱) صادقان با صدق خود به همان چیزی می رسند که کاذبان با فریبکاری خود به آن نرسیده اند!
- ۲) راستگویان با راستگویی خود به چیزی می رسند که دروغگویان با حيله گری خود به آن نمی رسند!
- ۳) اشخاص راستگو با صداقت خویش آنچه را به دست می آورند، اشخاص دروغگو با حيله گری خود به دست نمی آورند!
- ۴) افراد صادق با راستگویی خویش چیزی را به دست می آورند که دروغگویان با فریبکاری خود به دست نیاورده اند!

«لَا يَغْتَوَّرُ بِالْدُنْيَا أَبَدًا مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهَا كَسَرَابٍ، يَرَى فِيهَا مَا لَا وَجُودَ لَهُ!»: انسانی خارج ۹۸

- ۱) فریب دنیا را کسی نمی خورد که دانسته است آن مثل سرابی است که هرگز در آن چیزی وجود ندارد!
- ۲) کسی هرگز فریب دنیا را نخورده است اگر بداند که آن مثل سراب و در آن هیچ چیزی وجود ندارد!
- ۳) کسی که می داند دنیا چون سرابی است که در آن آنچه وجود ندارد دیده می شود، فریب دنیا را هرگز نمی خورد!
- ۴) هرگز فریب دنیا را نمی خورد کسی که می داند که آن چون سرابی است که در آن چیزی را می بیند که اصلاً وجود ندارد!

«قَدْ تَكَرَّرَ أَمْرًا وَاللَّهُ جَعَلَهُ خَيْرًا لَكَ وَ قَدْ تُحِبُّ شَيْئًا وَاللَّهُ جَعَلَهُ شَرًّا لَكَ!»: انسانی خارج ۹۸

- ۱) کاری را احتمالاً ناپسند می داری حال اینکه خدا خیر را در آن قرار داده، و چیزی را احتمالاً دوست می داری حال اینکه خدا شر را در آن قرار داده است!

www.my-dars.ir

- ۲) شاید کاری را زشت می داری درحالیکه خدا برای تو در آن خیر قرار داده، و شاید چیزی را دوست بداری در حالیکه خدا برای تو در آن شر قرار داده!
- ۳) کاری را گاه زشت می پنداری در حالی که خدا در آن خیری قرار داده، و چیزی را گاه دوست داری در حالی که خدا شری در آن برایت قرار داده!
- ۴) گاهی کاری را ناپسند می شماری و حال اینکه خدا آن را برای تو خیر قرار داده است، و گاهی چیزی را دوست داری و حال اینکه خدا آن را برای تو شر قرار داده است!

عین الخطأ: تجرِبی ۱۴۰۰

- ۱) اجعل فشلك بدايةً جديدةً لنجاحك: شكستت را آغازی نو برای موفقیت خود قرار بده!
- ۲) إذا عَزَمْتَ أن تبدأ عملاً فإنك قد قطعْتَ نصفَ الطريق: هرگاه تصمیم به انجام دادن کاری گرفتی، نیمی از راه را پیمودی!
- ۳) إن استطعتَ أن تَمَلَّأَ دقائقَ حياتك بالعمل المفيدِ نجت: اگر بتوانی دقایق زندگی خود را با عمل مفید پر کنی، موفق میشوی!
- ۴) طلبَ التلاميذُ من المدير أن يُوجَلَّ الامتحاناتِ لأُسبوعينِ آخريِن: دانش آموزان از مدیر خواستند که امتحانات را برای دو هفته دیگر به تأخیر بیندازد!

عین الخطأ: اختصاصی خارج ۹۸

- ۱) من يَحِبُّ اللهَ و خدمةَ عباده له سَكِينَةٌ لا تُشَاهَدُ في الآخِرِينَ: کسی که خدا و خدمت به بندگانش را دوست دارد آرامشی دارد که در دیگران مشاهده نمی‌شود!
- ۲) من يتعلَّم حتى يَعْلَمَ الآخِرِينَ و ينفَعهم فلاشكُ هو الأفضَل: کسی که دانش فرا می‌گیرد تا به دیگران یاد بدهد و به آنان سود برساند بی‌شک او برترین است!
- ۳) جعل الله فينا منادياً لِنَبْتَعدَ عن المعاصي و إن لا نستطيع أن نسمعه: خدا در ما منادی را قرار داد تا از گناهان دور شویم اگر چه گوش ندهیم!
- ۴) كُنْ متفائلاً حتى يزيِدَ رجاؤك و تَرى فُرصَ الخير: خوش‌بین باش تا امید تو افزون شود و فرصت‌های خوب را ببینی!

«استاد موافقت کرد که امتحان را برای دانش آموزان به مدت دو هفته به تأخیر اندازد»: خارج ۱۴۰۰

- ۱) و افق أستاذنا أن يُوجَلَّ مَوعدَ الامتحاناتِ أسبوعينِ اثنين.
- ۲) توافق أستاذنا أن يتأخَّرَ الموعدَ للامتحانِ أسبوعينِ اثنين.
- ۳) توافق الأستاذُ أن يؤخَّرَ امتحاناتِ الطُّلابِ مُدَّةَ أسبوعين.
- ۴) وافق الأستاذُ أن يُوجَلَّ الامتحانَ للطُّلابِ مُدَّةَ أسبوعين.

«ما درختانی می‌کاریم تا دیگران از میوه های آنها بخورند!». عین الصحیح: انسانی ۹۸

۱) نحن نغرس الأشجار حتى من ثمراتها يأكل الآخرون!

۲) نغرس نحن الأشجار لكي يأكل آخرون من ثمارها!

۳) نغرس نحن أشجاراً حتى آخرون يأكل من ثمراتها!

۴) نحن نغرس أشجاراً لكي يأكل من ثمارها الآخرون!

www.my-dars.ir

عین الصحیح عن المفردات: انسانی ۱۴۰۰

- ۱) نعلم أن للبطِّ غُدَّةً طَبِيعِيَّةً بالقرب من ذنبيها. (جمع) ← غُدَد، ذنوب
- ۲) عندما نَمشي على الرمال الحارة تحرق أقدامنا. (مترادف) ← نسير، رجال
- ۳) اشتدَّت الرِّيحُ و حدثت أعاصيرُ في تلك المنطقة. (مفرد) ← رائحة، إعصار
- ۴) أظهر لنا أصدقاؤنا صدقهم و هم من المصلحين. (متضاد) ← أضمر، المفسدين

درس ۶

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»: تجرئ ۱۴۰۰

- ۱) همانا الله چیزی را که در دل قوم وجود دارد دگرگون نمی کند مگر وقتی که درون خویش را دگرگون کنند!
- ۲) قطعاً الله در آنچه در اقوام وجود دارد تغییر ایجاد نمی کند مگر زمانی که آنچه در دلهاشان هست تغییر کند!
- ۳) همانا خداوند آنچه را در قومی هست تغییر نمی دهد تا اینکه آنچه را در دلهای خود دارند تغییر دهند!
- ۴) قطعاً خداوند چیزی را که در دل اقوام هست دگرگون نمی سازد مگر اینکه ابتدا دلهای خود را دگرگون نمایند!

﴿أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ﴾: زبان ۱۴۰۰

۱) و آیا ندانسته اند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد می گستراند!

۲) و آیا نمیدانند که الله روزیها را برای هر کس بخواهد گسترش می دهد!

۳) آیا و ندانسته اند که الله روزیهای خود را برای کسی می گستراند که بخواهد!

۴) آیا و نمی دانند که خدا برای کسی که از او بخواهد روزی خود را می گستراند!

«لَنفَكَّرَ عَنِ الْعَالَمِ وَمَا فِيهِ حَتَّىٰ نَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ مَا خُلِقَ بَاطِلًا، وَإِنْ لَمْ نُدْرِكْ كُلَّ دَلِيلِ الْخَلْقَةِ!»: زبان ۱۴۰۰

- ۱) می بایست به دنیا و هر چه در آن است بیندیشیم زیرا آن بیهوده آفریده نشده، و حتی اگر چیزی از علل آفرینش را درنیابیم!
- ۲) ما درباره این عالم و آنچه در آن است خواهیم اندیشید زیرا بیهوده خلق نشده است، اگرچه نتوانیم همه علت‌های خلقت را درک کنیم!
- ۳) باید درباره جهان و آنچه در آن است بیندیشیم تا بدانیم که آن، باطل خلق نشده است اگر چه همه دلایل آفرینش را درک نکنیم!
- ۴) برای اندیشیدن به عالم و هر آنچه در اوست بایستی بدانیم که عالم باطل آفریده نشده، حتی در صورتیکه هیچیک از دلایل خلقت را نیافتیم!

«لَيْسَ هُنَاكَ عَظْمٌ فِي اللِّسَانِ وَلَكِنَّهُ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَكْسِرَ الْقُلُوبَ اسْتِطَاعَةً، فَلْتَأْرَاقِبْ كَلَامَنَا!»: خارج انسانی ۱۴۰۰

۱) در زبان استخوانی وجود ندارد، ولی قطعاً می تواند دلها را بشکند، پس باید مواظب سخنانمان باشیم!

۲) در زبان استخوانی نیست، اما بخوبی توانائی شکستن قلبها را دارد، پس باید از سخنانمان مراقبت کنیم!

۳) استخوانی در زبان وجود ندارد، اما توانائی دارد قلب های دیگران را کاملاً بشکند، پس باید مراقب سخن گفتنمان باشیم!

۴) در هیچ زبانی استخوان نیست، ولی واقعا می توانند قلبها را بشکند، پس باید بخوبی از سخن گفتنمان مواظبت کنیم!

«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجَحَ فِي حَيَاتِهِ فَلْيَجْعَلِ السَّعْيَ صَدِيقَهُ الْحَمِيمَ وَالتَّجْرِبَةَ مُسْتَشَارَهُ الْحَكِيمَ!»: ریاضی ۹۹

- ۱) کسی که خواسته است در زندگیش پیروز شود، تلاش را دوستی گرم و صمیمی و تجربه را مشاوره حکیم برای خود قرار می دهد!
- ۲) هرکسی که می خواهد در زندگی خود موفق شود باید سعی کردن را دوستی صمیمی و تجربه کردن را مشاوره دانا قرار دهد!
- ۳) آنکه پیروز شدن را در زندگیش خواسته است، دوست صمیمی اش را سعی کردن و مشاور دانايش را تجربه قرار می دهد!
- ۴) هر کس بخواهد در زندگی خود موفق بشود، باید تلاش را دوست صمیمی و تجربه را مشاور خردمند خویش قرار دهد!

«يُحَدَّرُ مَنْ يَزِرُ الْعَدَاوَةَ مِنْ أَنَّهُ لَنْ يَحْصِدَ إِلَّا الْخَسَارَةَ، فَلْيَنْتَبِه!»: انسانی خارج ۹۹

۱) به کسی که دشمنی می کند هشدار داده می شود به اینکه او فقط خسارت درو خواهد کرد، پس باید آگاه باشد!

۲) به کسی که دشمنی را می کند هشدار می دهیم به اینکه فقط خسارت درو خواهد کرد، پس باید او را آگاه کرد!

۳) به آنکه دشمنی را بکارد بیم داده می شود که درو نخواهد کرد جز زیان را، پس باید او را آگاه کرد!

۴) آنکه دشمنی بکارد بیمناک می شود که درو نمی کند مگر زیان را، پس باید متنبه باشد!

«إنها كانت من أشهر مستشرفي القرن العاشر الهجري، و كانت تقدر أن تلقى محاضراتها العلمية بأكثر من خمس لغات عالمية!»: خارج ۹۸

- ۱) همانا او مشهورترین خاورشناس در قرن دهم هجری بود، و قادر بود به بیش از پنج زبان جهانی سخنرانی علمی ایراد کند!
- ۲) وی حقیقتاً مشهورترین خاورشناس سده دهم هجرت بوده که به بیش از پنج زبان بین‌المللی می‌توانست سخنرانی علمی کند!
- ۳) وی بی‌گمان از مستشرقان مشهور در سده دهم هجرت بود، و قدرت داشت به بیش از پنج زبان در جهان سخنرانیهای علمی کند!
- ۴) قطعاً او از مشهورترین مستشرقان قرن دهم هجری بود، و می‌توانست سخنرانیهای علمی خود را به بیش از پنج زبان بین‌المللی ایراد کند!

عین الصحیح: انسانی خارج ۹۹

- ۱) (فَلْنَعْتَمِدْ عَلَى الْعَقْلَاءِ حَتَّى نَنْتَفِعَ بِعِلْمِهِمْ: ما باید فقط بر عاقلان اعتماد کنیم تا از علم آنان سود برده باشیم!
- ۲) (لِي زَمِيلٌ مُشْتَقٌ كَثِيرًا لَزِيَارَةِ الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ: دوست من سخت مشتاق زیارت حرمین شریفین می‌باشد!
- ۳) (مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ ابْتَعَدَ عَنِ الْخَطَا: کسی که قبل از اینکه سخن بگوید، فکر کرده باشد از خطا دور شده است!
- ۴) (عَلَى الْوَالِدَيْنِ أَنْ لَا يَحْمَلَا أَوْلَادَهُمَا مَا لَيْسَ لَهُمَا طَاقَةٌ بِهِ: والدین باید بر فرزندان نشان چیزی را که طاقتش را ندارند تحمیل نکنند!

عین الصحیح: ریاضی ۹۸

- ۱) (إِمَّا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، هُوَ اللَّهُ: کسی که نزاده و زاده نشده، فقط الله است!
- ۲) (جَاءَتِ الْأُمُّ بِالْحَبُوبِ الْفَرَاخِهَا الصَّغِيرَةِ: مادر با دانه‌ها نزد جوجه‌های کوچک آمد!
- ۳) (يُنْفِقُونَ مِنْ أَحْسَنِ مَا يُحِبُّونَ أَكْثَرَ مِنْ قَبْلِ: با کمال میل از نیکوترین چیزی که دوست می‌دارند، انفاق می‌کنند!
- ۴) (عِنْدَ مَا يَلْقَى الْخَطِيبُ مُحَاضِرَةً يُنصِتُ الْحَضَارُ لَهُ: وقتی سخنران سخنرانی می‌کرد حاضران با سکوت به او گوش می‌کردند!

عین الخطأ: هنر ۱۴۰۰

- ۱) (كَبُرَ الْوَلَدُ إِلَى حَدِّ يَأْكُلُ طَعَامَهُ بَدُونَ مَسَاعِدَةِ أَحَدٍ: کودک به اندازه ای بزرگ شد که بدون کمک کسی غذایش را می‌خورد!
- ۲) (لِنُعَوِّذَ لِسَانَنَا بِالْكَلامِ الْلَيِّنِ لِنَكْسِبَ مَوَدَّةَ النَّاسِ: زبانهمان باید به کلام نرم عادت کند، تا دوستی مردم را به دست آوریم!
- ۳) (أَلْهَمَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا تَأْخُذُ وَ مَا تُعْطِي: پروردگارا، ستایش مخصوص تو است بر آنچه می‌گیری و آنچه میدهی!
- ۴) (هُنَاكَ نَوْعٌ مِنَ الدَّلَافِينِ يَبْقَى فِي الْمَاءِ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً مُتَوَاصِلَةً: نوعی از دلفینها وجود دارد که سی دقیقه متوالی در آب باقی می‌ماند!

عین الخطأ: اختصاصی ۱۴۰۰

- ۱) (لِنَجْتَنِبَ أَيَّ إِسَاءَةٍ، وَ هَذَا رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ: ما باید از هر بدی دوری کنیم، و این پیام اسلام است!
- ۲) (تَعَالَى لِنُؤَكِّدَ عَلَى الْحَرِيَّةِ وَ عَلَى التَّعَايُشِ مَعًا: بیا تا بر آزادی و بر همزیستی با یکدیگر تأکید کنیم!
- ۳) (كَلْنَا بِمَا لَدِينَا فَرِحُونَ، فَلِهَذَا لَأَنْفَكِرَ بِالتَّغْيِيرِ: ما به آنچه هستیم خوشحالیم، لذا هرگز به تغییر فکر نمی‌کنیم!
- ۴) (نَحْنُ خُمْسُ سَاكِنِي الْعَالَمِ، نَعِيشُ فَوْقَ هَذِهِ الْأَرْضِ: ما یک پنجم ساکنان جهان هستیم که روی این زمین زندگی می‌کنیم!

با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه هایشان موفق شوند». عین الصحیح: زبان ۱۴۰۰

- ۱) (تَحَدَّثْتُ مَعَ زَمَلَائِي حَتَّى يَعْلَمُوا كَيْفَ يُمْكِنُهُمُ النِّجَاحُ فِي الْبَرَامِجِ!
- ۲) (حَدَّثْتُ أَصْدِقَائِي لِيَفْهَمُوا كَيْفَ يَسْتَطِيعُونَ أَنْهَمُ التَّقَدُّمَ فِي بَرَامِجِهِمْ!
- ۳) (تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمْكِنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامِجِهِمْ!
- ۴) (كَلَّمْتُ زَمَلَائِي أَنْ يَفْهَمُوا كَيْفَ يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ أَنْ يَتَقَدَّمُوا فِي الْبَرَامِجِ!

عین ما لیس فیہ من المتضاد: انسانی ۹۸

- ۱) من یبدأ بضرب و شتم الآخرین فهو الأظلم!
- ۲) (إنَّ الأحقَّ إنَّ أراد أن ینفع أحداً فهو یضره!
- ۳) (الكذاب یبعد علینا القریب و یقرب علینا البعید!
- ۴) (الألف من الأصدقاء قلیل و الواحد من الأعداء کثیر!

عین ما فیہ لام الأمر: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱) عند مشاهدة آثار قدرة الله لیخضع القلب!
- ۲) ساعد أصدقاءك لیخرجوا من مشاكلهم بسهولة!
- ۳) يجب علی الإنسان کثیر من المحاولات لیصلح نفسه!
- ۴) ذهب صديقي إلى متجر آخر لیشتري سروالاً أرخص!

عین ما فیہ الام الأمر: زبان ۱۴۰۰

- ۱) أنار الله قلبنا بالعلوم النافعة لنذكره!
- ۲) تطلق سمكة السهم قطرات الماء لتسقط الحشرة!
- ۳) جلسنا أمام التلفاز لنشاهد فلماً رائعاً!
- ۴) إنَّ فراخ « برناكل » لتسقط و إلا لاتتعلم الطيران!

عین معنی حرف اللام یختلف عن الباقي فی فعل «لننتبه»: اختصاصی ۱۴۰۰

- ۱) (إن نقصد أن نسبح فی الماء فلننتبه إلى عمقه!
- ۲) (تكلم أبي معنا لننتبه إلى الخطات التي أمامنا!
- ۳) (لننتبه حتى نشاهد جمال الطبيعة فی كل شيء!
- ۴) (إن الامتحانات قریبة فلننتبه إلى فرصنا القلیلة!

عین « اللام » یختلف (فی المعنی): اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱) (إن نطلب أن نتعلم العلم فلنجالس المتفهمین!
- ۲) (نحتاج إلى التراب و السماد لینمو الورد!
- ۳) (لیشجع المتفرجون اللاعبین فی المسابقات!
- ۴) (إن المؤمنین لیطعموا المساکین ممّا یکلون!

عین ما لیس فیہ المعادل للمضارع الاتزامی الفارسی: هنر ۹۹

- ۱) (یحذر الشرطي المسافرین ألا یقتربوا من الأماكن الخطرة!
- ۲) (یا أصدقاء؛ يجب أن تكونوا من المتوكّلین حتى لا تياسوا!
- ۳) (یا أيها الأطفال؛ لا تقربوا من هذه الحفرة لأنها خطيرة!
- ۴) (یجتمع التلاميذ مع معلمهم یومياً لیتعلموا العلم!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

عین ما فيه طلب للقيام بالعمل: تجرّبی ۹۸

- (۱) لیذهبوا إلى المدرسة!
- (۲) قاموا لیذهبوا إلى المدرسة!
- (۳) لهم إما الذهاب إلى المدرسة و إما البقاء فيها!
- (۴) هم اجتمعوا للذهاب إلى المدرسة قبل فوات الفرصة!

عین ما فيه النهي عن القيام بالعمل: خارج ۹۸

- (۱) لا نجاح و لا فوز لمن یریدهما بلا جهد و عمل!
- (۲) لا حيلة لنا إلا التمسك بالعمل و الالتزام بالجهود!
- (۳) لا تبغون بأقوالكم أما لكم، فإنّ الهمة دواؤكم!
- (۴) لا تغتروا بكم لديكم، فرمّا يزول في لحظة!

عین الخطأ في صيغة المضارع: خارج ۹۸

- (۱) رأيتُ زملائي ما يوسينَ فقلت لهم لا تيأسونَ من رحمة الله!
- (۲) تكلمتُ مع أصدقائي ليعلموا كيف يمكن لهم أن ينجحوا في برامجهم!
- (۳) إنهم خرجوا من دارهم ليذهبوا إلى المدرسة و أنتم لم تخرجوا حتى الآن!
- (۴) أنهنّ خرج من دارهنّ كي يذهبن إلى المدرسة و أنتنّ لم تخرجن حتى الآن!

عین ما ليس فيه التأكيد على وقوع الفعل: اختصاصی خارج ۹۸

- (۱) لا تحزنون لما فات منكم!
- (۲) لا تجلسن كثيراً فالرياضة مفيدة لك!
- (۳) لقد قرأنا ما هو مفيد لنا الحياة!
- (۴) ليسمعوا كلامي حتى لا يقعوا في الهلاكة!

«من في الحياة، ف على الله!». عین الخطأ للفراغين: هنر ۹۸

- (۱) أرادت أن تفوز/ لتتوكل
- (۲) يحب أن ينجح/ ليتوكل
- (۳) تحب أن تنجح/ عليها أن تتوكل
- (۴) أراد أن يفوز/ عليه أن يتوكل

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

درس ۷

﴿و اذکروا نعمة الله علیکم إذ کنتم أعداء فألف بین قلوبکم﴾: هنر ۱۴۰۰

- ۱) نعمت خداوند را خودتان یاد کنید زمانی که دشمنان همدیگر بودید سپس قلبهایتان را انس و الفت داد.
- ۲) نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید پس بین دلهایتان انس و الفت قرار داد.
- ۳) نعمت الله را به یاد آورید آنگاه که با یکدیگر دشمنی داشتید و قلبهایتان را نسبت به هم نزدیک کرد.
- ۴) نعمت الله را بر خویشتن یادآوری کنید موقعی که دشمن بودید و دلهایتان را به یکدیگر نزدیک کرد.

« من ملأ حیاته بعمل الخیر، کان یعلم أنها أقصر من أن یضیعها بعمل الشر!»: هنر ۱۴۰۰

- ۱) هر آن کس بداند که زندگی کوتاهتر از آن است که با عمل بد ضایع شود، آن را با عمل خوب پر می کند!
- ۲) هرکس زندگیش با عمل خوب پر شده است، می دانسته که زندگی کوتاهتر است از اینکه با عمل بد هدر رود!
- ۳) کسی که زندگی خود را با کار خوب پر کرده است، می دانسته که زندگی کوتاهتر از این است که آن را با کار بد تباهش کند!
- ۴) آن کسی که زندگیش را پر از عمل خوب کرده باشد، دانسته که زندگی کوتاهتر است از آنکه بتواند با عمل بد نابود شود!

«المفردات بین لغات العام لم تتبادل فی سنة واحدة، بل قد حدث هذا التبادل أثناء سنوات كثيرة، و بهذا أصبحت اللغات غنية»: کلمات در بین

زبانهای دنیا هنر ۱۴۰۰

- ۱) در یک سال رد و بدل نشد بلکه این تبادل در طول سالهای زیادی رخ داده است، و بدین ترتیب زبانها غنی شدند!
- ۲) سالی یکبار تبادل نمی شدند بلکه این تبادل طی سالهای زیادی اتفاق می افتاد، و زبانها اینگونه توانمند می شدند!
- ۳) یکبار در سال تغییر نمی کردند بلکه این تغییر در مدت سالهای بسیار اتفاق افتاده است، و بدین صورت زبانها بی نیاز می شدند!
- ۴) در یک سال رد و بدل نشده اند، بلکه رخداد تبادل در اثناء سالهای زیادی بوده و به این صورت زبانها سرشار از توانایی شدند!

«إن ذهبنا من نفس الطريق الذي كنا نذهب منه من قبل، وصلنا إلى ذلك المكان الذي كنا نصل إليه دائماً!»: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱) اگر از راهی برویم که همیشه می رفتیم، به آن مکانی می رسیم که قبلاً رسیده ایم!
- ۲) اگر از راهی رفتیم که قبلاً رفته بودیم، به همان محلی که دائماً می رسیدیم رسیده ایم!
- ۳) اگر از همان راهی رفتیم که دائماً رفته بودیم، به آن محلی که همیشه می رسیدیم، می رسیم!
- ۴) اگر از همان راهی برویم که از قبل می رفتیم، به همان مکانی می رسیم که همیشه می رسیدیم!

«قدّم لي صديقي هدية في الحكمة و الموعظة كانت قيمة، و أرشدتني إلى سبيل الخير!»: انسانی ۱۴۰۰

- ۱) هدیه ای را که دوستم از حکمت و موعظه ای ارزشمند به من داد مرا به راه خیر هدایت می نماید!
- ۲) دوستم به من حکمت و موعظه ای هدیه داد که ارزشمند است، و مرا به خوبترین راه هدایت می کند!
- ۳) هدیه ای که دوستم از حکمت و پند به من داد ارزشمند بود، و مرا به سمت بهترین راهها هدایت کرد!
- ۴) دوستم هدیه ای در زمینه حکمت و پند به من تقدیم کرد که ارزشمند بود، و مرا بسوی راه خیر هدایت نمود!

«إِذَا كُنْتَ وَاثِقًا بِنَفْسِكَ فَإِنَّكَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُشَجِّعَ الْآخِرِينَ عَلَى أَنْ يَكُونُوا وَاثِقِينَ بَأَنْفُسِهِمْ!»: تجرّبی ۱۴۰۰

- (۱) هرگاه به خود اعتماد کنی، تو می توانی دیگران را به اینکه از خود مطمئن باشند، تشویق کنی!
- (۲) اگر به خود اعتماد داشته باشی، می توانی دیگران را تشویق کنی به اینکه به خود اعتماد داشته باشند!
- (۳) زمانی که به خود اطمینان داشته باشی، دیگران را به این که به خود با اعتماد باشند، ترغیب می کنی!
- (۴) اگر از نفس خود مطمئن باشی، دیگران را ترغیب به این می کنی که به نفسهای خودشان اطمینان داشته باشند!

«صديقك هو الشخص الذي يعرف نِعَمَاتِ قلبك و يستطيع أن يُغَيِّبها لك إن كنتَ نَسِيتَ كلماتها!»: زبان ۱۴۰۰

- (۱) دوستت همان کس است که آوازه های قلب تو را می دانست و هرگاه کلمات آن فراموش شد دوباره برایت می خواند!
- (۲) دوستت کسی است که نغمه های قلبت را بداند و بتواند آن را برایت دوباره بخواند هر زمان که کلماتش را فراموش کرده باشی!
- (۳) دوست تو است آن کسی که آوازه های قلبت را می شناسد و می تواند آن را بخاطر تو بخواند آنگاه که کلماتت را و فراموش کرده ای!
- (۴) دوست تو همان کسی است که نغمه های قلب تو را می شناسد و می تواند آن را برای تو بخواند اگر کلمات آن را فراموش کرده باشی!

» كثير من اختراعات الإنسان الحديثة ليست في مجال الإعمار و البناء، لأنّه لم يستفد من جانبها النافع!»: انسانی خارج ۱۴۰۰

- (۱) بسیاری از اختراعات انسان در زمینه آباد کردن و ساختن، جدید نیست زیرا او از جنبه مفید آن استفاده نمی کند!
- (۲) تعداد زیادی از اختراعات انسان در بخش آبادسازی و ساختمان بکار نرفته است، زیرا او از جنبه سودمند آن بهره نمی برد!
- (۳) بسیاری از اختراعات جدید انسان در زمینه آبادانی و ساخت نیست، زیرا او از قسمت مفید آنها استفاده نکرده است!
- (۴) تعداد زیادی از اختراعات جدید انسان در زمره آبادانی و ساختمان نمی باشد، بخاطر اینکه از بخش مفید آن بهره برداری نشده است!

«عامل الناس مثلما تحب أن يعاملوك، و لا تكن ذا وجهين!»: زبان ۹۹

- (۱) با مردم آنطور رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند، و دورو مباش!
- (۲) طوری با مردمان معامله های که دوست داری با تو دادوستد شود، پس دوچهره نباش!
- (۳) با مردم همانطور معامله کنی که دوست داشته ای با شما عمل کنند، پس از دورویان نباشید!
- (۴) به گونه ای با مردم رفتار کنی که دوست می داری با شما رفتار شود، و دارای دو چهره نباشید!

بَعْضُ اِخْتِرَاعَاتِ الْإِنْسَانِ لَيْسَتْ فِي مَجَالِ الْإِعْمَارِ وَ الْبِنَاءِ لِأَنَّهُ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يُدْرِكَ مَاذَا يَنْفَعُهُ وَ مَاذَا يَضُرُّهُ!»: بعضی از اختراعات انسان .. انسانی ۹۹

- (۱) در جهت آبادکردن و ساختن نمی باشد، زیرا او قادر نیست آنچه را سود می رساند و آنچه را زیان می بخشد بشناسد!
- (۲) در زمینه آبادانی و سازندگی نیست، زیرا او نتوانسته است درک کند چه چیزی به او سود می رساند و چه چیزی ضرر می رساند!
- (۳) در عرصه آبادانی و ساخت و ساز نیست، از آنجا که قادر به درک چیزی که برایش سودبخش است و آنچه زیان بخش است نمی باشد!
- (۴) در مسیر آبادشدن و سازنده بودن نمی باشد، از این جهت که او نتوانسته است چیزی که به او سود می رساند یا زیان می زند را بفهمد!

«هناك مفرداتٌ في كلّ لغةٍ قد دخلت فيها من اللّغات الأخرى و قد أصبحت كلماتٍ لها معانٍ جديدة!»: هنر ۹۹

- (۱) در هر زبان لغت هایی است که از دیگر زبان ها در آن وارد شده، و معانی جدیدی برای آن ایجاد کرده است!
- (۲) واژه هایی در هر زبان موجود است که از دیگر زبان ها داخل آن شده و معانی جدیدی بر آن افزوده است!
- (۳) در هر زبانی کلماتی وجود دارد که از زبان های دیگر وارد آن شده و واژگانی با معانی جدید شده اند!
- (۴) کلماتی در هر زبانی وجود دارد که از زبان های دیگر داخل آن شده، و معانی دیگری یافته است!

«المفردات التي تدخل اللغة العربية من لغات أخرى و تتغير حروفها و أوزانها وفق اللغة العربية، تسمى الكلمات المعربة!»: هنر ۹۸

- ۱) واژگانی را که در زبان عربی از دیگر زبان‌ها داخل شده و حروف و وزن آن‌ها طبق زبان عربی درآمده است، کلمات عربی شده نامیده‌اند!
- ۲) کلماتی که از زبان‌هایی دیگر وارد زبان عربی می‌شوند و حروف و اوزان آن‌ها طبق زبان عربی تغییر می‌کند، کلمات معرب نامیده می‌شوند!
- ۳) مفرداتی را که از زبان‌های دیگر وارد زبان عربی می‌شوند و حرف‌ها و وزن‌های آنها مطابق زبان عربی دگرگون می‌شوند، واژگان معرب نامیده‌اند!
- ۴) واژگانی که از زبان‌های دیگری داخل زبان عربی شده‌اند و حروف و اوزان آنها مطابق با این زبان تغییر کرده، واژگان عربی شده نامیده شده‌اند!

«يكون للكتاب و قراءة الكُتب دور مهم في ازدياد المعرفة و قوة الفهم، و ربما يُغيّر أسلوب الحياة!»: هنر ۹۸

- ۱) کتاب و کتاب خواندن نقشی مهم در ازدياد شناخت و قوه درک دارد و باعث تغییرات در روش زندگی می‌شود!
- ۲) برای کتاب و کتاب خوانی نقش مهمی است در زیادی معرفت و نیروی فهم و بسا که با آن روش زندگی تغییر کند!
- ۳) برای کتاب و کتاب خواندن نقشی مهم در ازدياد معرفت و قوه درک است و چه بسا روش‌های زندگی را تغییر دهد!
- ۴) کتاب و کتاب خوانی نقش مهمی در زیاد شدن شناخت و نیروی فهم دارد، و چه بسا روش زندگی را تغییر دهد!

«طلبت أمنا من المنظفين أن ينظفوا هذه الغرف جيداً، فنظفوها و صارت الغرف نظيفة!»: زبان ۹۸

- ۱) مادرمان از نظافت‌کنندگان خواست که آن اتاق را خوب تمیز کنند، وقتی آن را نظافت کردند، تمیز شد!
- ۲) مادر ما از نظافتچی‌ها درخواست کرد که این اتاق‌ها را برای اینکه تمیز شود، نظافت کنند، و اتاق‌ها نظیف شد!
- ۳) مادرمان، از نظافتچی‌ها خواست که این اتاق‌ها را خوب نظافت کنند، پس آن‌ها را نظافت کردند، و اتاق‌ها تمیز شد!
- ۴) مادر ما از کسانی که نظافت می‌کنند درخواست کرد که این اتاق را نظافت کنند، آن‌ها هم پس از این‌که آن را تمیز کردند، اتاق نظیف شد!

«لما نقلت لصديقي الخبر الذي كنت أسمع دائماً، قال لي: إنني كنت قد سمعت هذا الخبر مراراً قبل هذا!»: زبان ۹۸

- ۱) آنگاه که به دوستم گفتم این خبر را پیوسته می‌شنوم، او به من گفت: من همین خبر را بارها پیش از این شنیده بودم!
- ۲) وقتی خبری را که دائماً می‌شنیدم برای دوستم نقل کردم، به من گفت: من این خبر را قبل از این بارها شنیده بودم!
- ۳) هنگامی که این خبر را که مرتباً می‌شنیدم برای دوستم گفتم، او به من گفت: من نیز همین خبر را پیش از این به دفعات شنیده‌ام!
- ۴) زمانی که داشتم برای دوستم خبری را که بارها شنیده بودم نقل می‌کردم، به من گفت: من هم این خبر را قبل از این به دفعات شنیده‌ام!

«المفردات التي دخلت العربية من لغات أخرى، تسمى في اللغتين الفارسية و العربية، الكلمات الدخيلة!»: خارج ۹۸

- ۱) واژگانی را که از دو زبان فارسی و عربی داخل یکدیگر می‌شوند، در هر زبان واژگان دخیل می‌نامند!
- ۲) مفرداتی که از زبان‌های دیگر در زبان عربی وارد شده، در دو زبان فارسی و عربی، کلمات دخیل نامیده می‌شوند!
- ۳) واژگانی را که در زبان عربی از زبان دیگری داخل می‌شود، در زبان‌های فارسی و عربی مفردات داخل شده می‌نامند!
- ۴) مفرداتی که از زبان عربی به زبان‌های دیگر وارد می‌شود، در زبان‌های فارسی و عربی مفردات وارد شده نامیده می‌شود!

«لي الآن مكتبة كبيرة، و ما كان لي قبل هذا أكثر من مائة كتاب!»: انسانی ۹۸

- ۱) فعلاً کتابخانه‌ای بزرگ دارم، ولی پیش از این فقط یکصد کتاب داشتم!
- ۲) کتابخانه من در حال حاضر بزرگ است، ولی قبلاً بیش از صد کتاب نداشتم!
- ۳) اکنون کتابخانه بزرگی دارم، و حال اینکه قبل از این بیش از یکصد کتاب نداشتم!
- ۴) کتابخانه‌ای در حال حاضر دارم که بزرگ است، اما پیش از این بیشتر از صد کتاب نداشتم!

«إنَّ الإنسانَ الَّذي يجد طعاماً مناسباً لفكره ستُصبح قدرته للفهم و العمل أكثر!»: انسانی ۹۸

- (۱) انسانی که غذای مفیدی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!
- (۲) انسانی که غذای مناسبی برای فکر خود می‌یابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- (۳) اگر انسان غذای مناسبی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- (۴) انسان کسی است که غذای مفیدی را برای فکر خود یافته و نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!

«الاستفادة من الجوال ليست مسموحة في حصة الامتحان!»: تجربی ۹۸

- (۱) استفاده از تلفن همراه در جلسه امتحان مجاز نیست!
- (۲) به کار بردن گوشی همراه در جلسات امتحان منعی ندارد!
- (۳) آوردن تلفن همراه در جلسه امتحانات مانعی ندارد!
- (۴) از گوشی همراه استفاده کردن در جلسه امتحان مجاز است!

«لما رأى الطبيب إني مصاب بالزكام الشديد و أيضاً عندي حمى شديدة، كتب لي وصفة تحتوي على مقدار من الشراب و حبوب مسكنة!»: تجربی ۹۸

- (۱) وقتی پزشک مرا دید که به زکام و تب شدید گرفتار شده‌ام، نسخه‌ای را که برایم نوشت محتوی مقداری شربت و قرص‌های مسکن بود!
- (۲) پزشک وقتی دید من دچار زکام شدید هستم و نیز تب شدیدی دارم، نسخه‌ای برایم نوشت که محتوی مقداری شربت و قرص‌هایی مسکن بود!
- (۳) طبیب چون دید مبتلا به سرماخوردگی سخت و تب شدید هستم، برایم نسخه‌ای نوشت که در آن شربت بود و تعدادی قرص مسکن!
- (۴) چون طبیب دچار شدن مرا به سرماخوردگی شدید و نیز تب بالا دید، نسخه را برایم نوشت که آن شامل مقداری از شربت بود و قرص‌هایی مسکن!

«هناك كلماتٌ تجري على أقلام بعض الشعراء لأول مرة تدلُّ على مفاهيم جديدة لم يكن يعرفها الآخرون!»: ریاضی ۹۸

- (۱) کلماتی وجود دارند که برای بار اول بر قلم‌های بعضی از شاعران جاری می‌شوند در حالی که بر مفهوم جدیدی که دیگران آنها را نمی‌شناسند، دلالت دارد!
- (۲) وجود دارد کلماتی که بعضی از شعرا برای اولین مرتبه بر قلم‌های خود جاری می‌کنند که بر مفاهیمی جدید دلالت می‌کند که آن را دیگران نمی‌شناختند!

- (۳) آنجا، کلماتی است که بعضی شاعران اولین مرتبه، بر قلم‌هایشان جاری می‌کنند و بر مفهوم جدید که دیگران آنها را نمی‌شناخته‌اند دلالت دارد!
- (۴) کلماتی هستند که بر قلم‌های بعضی شعرا برای اولین بار جاری می‌شوند که بر مفاهیمی جدیدی دلالت می‌کنند که دیگران، آنها را نمی‌شناختند!

«قرأت كتاباً مؤلفه لم يكن قادراً على تحريك يده ولكنه يرسم و يَنشد و يؤلف!»: کتابی خواندم که اختصاصی ۹۸

- (۱) مؤلفش قادر نبود دستش را حرکت دهد ولی نقاشی هم می‌کرد و شعر می‌سرود و تألیف می‌کرد!
- (۲) نویسنده آن قادر به حرکت دادن دستش نبود ولیکن نقاشی می‌کرد و شعر می‌سرود و تألیف می‌کرد!
- (۳) نویسنده اش توان حرکت دادن دست خود را ندارد ولی نقاشی می‌کند و شعر می‌سراید و تألیف می‌کند!
- (۴) مؤلف آن نمی‌توانست دست خویش را حرکت دهد ولیکن نقاشی هم می‌کند و شعر می‌سراید و تألیف می‌کند!

عین الصحیح: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱) حاولت زميلتي أن تُغلق باب حافلة المدرسة: همشاگردیم تلاش کرد که در اتوبوس مدرسه را ببندد،
- ۲) ولكن الباب لم يغلق وأخذت الحافلة تَسير بسرعة: ولی درب بسته نشد و اتوبوس می خواست بسرعت حرکت کند،
- ۳) تغلب الخوف على الأثافي ممن قد جلسن على الكراسي الأمامية: کسانی را که در جلو صندلیها نشسته بودند ترس فرا گرفت،
- ۴) لأن السائق لم يكن جالساً على كرسية الخاص في السيارة! زیرا راننده اتوبوس هنوز در جای خود ننشسته بود!

عین الصحیح: هنر ۹۸

- ۱) من هو صادق في كلامه فإنه يعد من المحسنين: هر کس در سخن خود صادق باشد خود را از نیکوکاران به شمار خواهد آورد!
- ۲) ليس المظلومون متحدين في العالم فلماذا يعيشون تحت الظلم: مظلومان جهان متحد نیستند لذا زیر بار ستم بسر می‌برند!
- ۳) إن هولاء ناجون في حياتهم لأنهم لا يضيعون أوقاتهم: این‌ها در زندگی موفق هستند لذا اوقات خود را تباه نمی‌کنند!
- ۴) إذا توفعت النجاة فلا تياس من الحصول عليه: هرگاه انتظار موفقیت داشتی از بدست آوردن آن مأیوس مشو!

عین الخطأ: زبان ۱۴۰۰

- ۱) أمطر الله مطراً في بلدنا أمس: دیروز خدا در شهر ما بارانی باراند،
- ۲) ما كان المطر كثيراً ليصير سيلاً: باران زیادی نبود که سیل بشود،
- ۳) و لا قليلاً حتى لا يئبت ما قد فات: و نه کم که آنچه از دست رفته بود نروید،
- ۴) و بكثرته ازدادت النعم علينا! و با فراوانیش نعمتها بر ما فزونی یافت!

عین الخطأ: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱) إذا أردنا أن لا نتعب من المصائب: هرگاه بخواهیم که از مصیبتها خسته نشویم،
- ۲) فلنقبل أن لا نحزن أنفسنا بالمشاكل الجزئية: باید بپذیریم که دروهمان با مشکلات جزئی ناراحت نشود،
- ۳) و كل مشاكل الدنيا للإنسان الذي جزئياً حقاً: و همه مشکلات دنیا برای انسان باهوش واقعا جزئی است،
- ۴) إن كنا من العقلاء لا نصبح منزعجين أبداً! اگر از عاقلان باشیم هرگز آزده نمی شویم!

عین الخطأ: انسانی ۹۸

- ۱) كنت فرحت من أن الحسنات تُذهبن السيئات: از این‌که خوبی‌ها، بدی‌ها را از بین می‌برد، شاد شده بودم!
- ۲) كادت بنتي تجهر بغضبها عند الضيوف لما نصحتها: وقتی دخترم را نزد مهمانان نصیحت کردم نزدیک بود خشمش را آشکار کند!
- ۳) كُن ساكناً و راقباً أن لا يجري على لسانك ما ليس لك به علم: ساکت باش و مراقب باش که بر زبانت چیزی که بدان علم نداری، جاری نشود!
- ۴) لما بدأت بأن تعيب الآخرين علم أن ذلك نفسه من أكبر العيوب: وقتی شروع به عیب‌گیری از دیگران کردی، بدان که آن خودش از بزرگترین عیب‌هاست!

«برماست که بدانیم تبادل کلمات بین زبان‌ها در جهان امری طبیعی است!»: اختصاصی خارج ۹۸

- ۱) يجب أن نعلم أن مبادلة الكلمات أمر طبيعي بين لغات العالم!
- ۲) علينا أن نفهم أن مبادلة الكلمات في لغات العالم أمر طبيعي!
- ۳) علينا أن نفهم أن تبادل المفردات بين اللغات أمر عادي في العالم!
- ۴) علينا أن نعلم أن تبادل المفردات بين اللغات في العالم أمر طبيعي!

عین الخطأ عن «اللوحة»: انسانی ۹۹

(۱) مُمارس الدروس عليها!

(۲) نکتب عليها أخباراً عامّةً

(۳) لا نجدها إلاّ كبيرةً و بألوان مختلفة!

(۴) نرسم عليها إشارات المرور و الصّور الجميلة!

عین ما لیس معادل للماضی الاستمراریّ فی الفارسیّة: تجری ۱۴۰۰

(۱) كان التلاميذ يقدفون الكرة حتى تدخل المرمرى!

(۲) كان ذلك الكتاب يضمّ الكلمات الفارسیّة و العربیّة!

(۳) كان أبي يأمرني بمدارة الناس كما يأمرني بأداء الفرائض!

(۴) كان طعم البرتقال الذي ينبت في شمال إيران لذيذاً!

عین خبر «كان» مختلفاً: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

(۱) كان الطالب يتكلّم مع أصدقائه حول برنامج سفرتهم العلمیّة!

(۲) كان الإنسان يستفيد من الدينامیت لتسهيل أعماله الصّعبة!

(۳) كان التلاميذ يقدفون الكرة حتى تدخل المرمرى!

(۴) كان الفستق الذي ينتج في كرمان لذيذاً!

عین الفعل الناقص لا يدلّ على الزمن الماضي: انسانی ۹۸

(۱) كانت لها ثقافة طيبة!

(۲) كان الدرس مليئاً بالسؤال!

(۳) كانت الأرض في الربيع مخضرة!

(۴) كان لهم خلق طيب في الحياة!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir